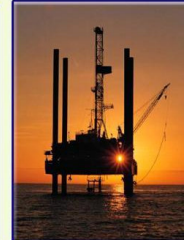
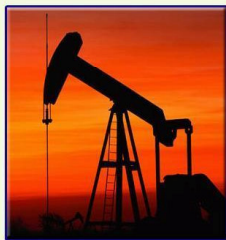


اصلاح الگوی مصرف



آموزش و بهینه‌سازی نیروی انسانی

نام کتاب : اصلاح الگوی مصرف
نویسنده : خلیل قدیمی دینج
ویراستار : جعفر سلیمزاده
ناشر : آموزش و تجهیز نیروی انسانی (آموزش مدیریت)
نوبت چاپ : اول
تاریخ انتشار : شهریور ۱۳۸۹
چاپ از : چاپخانه شرکت ملی گاز ایران
حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
	فصل اول: تعاریف و اثرگان، اصطلاحات و مفاهیم
۲	مقدمه
۴	۱-۱- تعریف مصرف
۷	۱-۲- صرفه جویی
۷	۱-۳- مفهوم اتراف
۷	۱-۴- اسراف
۷	۱-۵- تبذیر
۷	۱-۶- اثربخشی
۸	۱-۷- کارآیی
۸	۱-۸- بهره وری
۸	۱-۹- تبیین الگوی مصرف
۹	۱-۱۰- قناعت ، مفهومی اخلاقی در مصرف
۱۰	۱-۱۱- اصلاح فرایندها
۱۰	۱-۱۲- تعریف مهندسی مجدد فرآیندها
	فصل ۲: بررسی مبانی دینی، اخلاقی و فرهنگی الگوی مصرف با تأکید بر مفاهیم قرآنی و آموزه‌های رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار(ع) و علماء دینی
۱۲	مقدمه
۱۳	۲-۱- از دیدگاه قرآن کریم
۱۹	۲-۲- از دیدگاه پیامبر اعظم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام
۲۵	۲-۳- قناعت فضیلت بزرگان

فصل ۳: اصلاح الگوی مصرف در دستگاه‌های اجرایی

- ۳۶ مقدمه
- ۳۹ ۱-۳- پیآمدهای اسراف در دستگاه‌های اجرایی
- ۵۳ ۲-۳- ضرورت استانداردسازی و اصلاح الگوی مصرف در دستگاه اجرایی
- ۵۶ ۳-۳- مراحل و راهکارهای نهادینه کردن استانداردها و الگوی مصرف اصلاح شده در دستگاه اجرایی
- ۶۱ ۴-۳- برنامه‌های دستگاه اجرایی جهت مدیریت هزینه الگوی مصرف
- ۶۷ ۵-۳- مکانیسم ارتقاء بهره‌وری کارکنان و استفاده بهینه از زمان

فصل ۴: رابطه اصلاح الگوی مصرف با عدالت و رفاه اجتماعی

- ۷۴ ۱-۴- مقدمه
- ۷۸ ۲-۴- جایگاه مصرف در علم اقتصاد
- ۸۰ ۳-۴- جایگاه مصرف در اسلام

فصل ۵: مقایسه مصرف در ایران با جهان

- ۸۴ مقدمه

فصل ۶: راهکارهای اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی

- ۹۴ ۱-۶- اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی
- ۹۵ ۲-۶- ریشه‌های اصلی عدم رعایت الگوی مصرف گاز طبیعی
- ۹۹ منابع و مأخذ

پیشگفتار

با عنایت به رفتار مصرفی حاکم در اقتصاد ایران، حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف، از ضرورت‌های مهم و اجتناب‌ناپذیر در راستای رشد و توسعه پایدار بشمار می‌آید. به طوری که مقام معظم رهبری نیز با نام‌گذاری سال ۱۳۸۸، حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف را به عنوان یک استراتژی مهم معرفی فرمودند.

بدیهی است آشنایی با مبانی و اصول اصلاح الگوی مصرف در راستای بسترسازی فرهنگی به منظور هدایت رفتارهای مصرفی اسراف‌آمیز به سمت مصارف بهینه، نه تنها منجر به ممانعت از هدر رفتن منابع و امکانات جامعه خواهد شد، بلکه زمینه‌های رشد و توسعه را نیز فراهم خواهد ساخت. چرا که بدون مشارکت افراد جامعه امکان اصلاح رفتارهای غیربهینه مصرفی، میسر نخواهد بود. و در این میان برگزاری دوره‌های آموزشی نقش بسیار سازنده و مفیدی در حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف دارند.

در مجموعه حاضر، مطالب در چارچوب سرفصل‌های آموزشی مصوب دوره "آشنایی با مبانی و اصول اصلاح الگوی مصرف" در ۶ فصل تهیه شده است.

در خاتمه لازم می‌دانم از تلاش‌ها و راهنمایی‌های برادر بزرگوارم جناب آقای جعفر سلیم‌زاده کمال تشکر و قدردانی می‌نمایم. همچنین از همکاری سرکار خانم شهریاری و خانم اژکان در تهیه این کتاب سپاس‌گزارم. موجب امتنان خواهد بود چنانچه خوانندگان محترم، دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرات خود را از طریق [Email: gadimi_khalili@yahoo.com](mailto:gadimi_khalili@yahoo.com) به اینجانب اعلام فرمایند.

خلیل قدیمی‌دیزج

فصل اول

**تعاريف واژگان.
اصطلاحات و مفاهيم**

مصرف در علم اقتصاد هم از نظر اقتصاد خرد و هم از دیدگاه اقتصاد کلان جایگاه خاصی دارد بطوری که تئوری رفتار مصرف‌کننده از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نظریه‌های اقتصاد خرد محسوب می‌گردد و بررسی توابع مصرف مختلف از جمله تابع مصرف فریدمن، مودیگیانی، کینز و ... در اقتصاد کلان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشند. در ضمن با توجه به هدف نهایی علم اقتصاد که در یک کلمه بعنوان رفاه عمومی مطرح می‌گردد، می‌توان به نقش مصرف کالاها و خدمات که منجر به مطلوبیت افراد و به تبع آن رفاه آنان می‌گردد، پی برد. در واقع در ادبیات نظام اقتصاد سرمایه‌داری مصرف هدف نهایی در اقتصاد تلقی می‌گردد. چرا که حداکثر شدن رفاه عمومی در گرو مصرف کالاها و خدمات مختلف منجر به مطلوبیت افراد مصرف‌کننده شده و جمع جبری مطلوبیت مصرف‌کنندگان شاخصی برای نمایش رفاه عمومی است. این در حالی است که در ادبیات نظام اقتصاد اسلامی، مصرف بعنوان هدف نهایی تلقی نمی‌گردد. تنها رعایت اعتدال در مصرف و به دور از هر گونه اسراف، تبذیر و اتراف مورد تأکید می‌باشد.

بی‌گمان مصرف، به خودی خود نه تنها پدیده‌ای ناپسند نیست که بسیار بایسته و لازم است؛ چرا که مصرف، یکی از شیوه‌های جایگزین‌ناپذیر برای پاسخگویی به نیازهای طبیعی و غریزی انسان است که بدون آن، حیات مادی و معنوی انسان‌ها دستخوش آشفتگی و نابسامانی خواهد شد و معیشت انسان، لذت و لطف خود را از دست خواهد داد؛ اما نکته اینجاست که گاهی مصرف شکل طبیعی خودش را از دست داده، به جای آنکه به عنوان یک پدیده حیاتی در خدمت انسان باشد، انسان به خدمت او درمی‌آید. بدین‌گونه وسیله به هدف تبدیل می‌شود و همه قوای مادی و معنوی انسان که باید با مصرف درست به اوج تکامل و تعالی برسد، بر اثر

مصرف‌زدگی در سرایشی سقوط قرار می‌گیرد. همچنین زمینه انواع تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها فراهم می‌آید، و سرانجام، این موهبت بزرگ به تعبیر مقام معظم رهبری به بلایی بزرگ تبدیل می‌شود:

«برای جامعه بلای بزرگی است که میل به مصرف، روز به روز در آن زیاد شود و همه به بیش‌تر مصرف کردن، بیش‌تر خوردن، متنوع خوردن، متنوع پوشیدن و دنبال نشانه‌های مد و هر چیز تازه برای وسایل زندگی و تجملات آن رفتن تشویق بشوند»

از اینجاست که ضرورت «اصلاح الگوی مصرف» آشکار می‌شود و اهمیت دغدغه مقام معظم رهبری در این باره و ارزشمندی اعلام سال ۱۳۸۸ خورشیدی به عنوان سال «حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف» از سوی ایشان، کاملاً آشکار می‌شود.

«ایشان در این باره می‌فرماید: ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه اول، چه قوه مقننه، چه قوه مجریه و چه سایر مسئولین کشور، قوه قضائیه و غیر آنها، و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی و آحاد مردم از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کند که باید الگوی مصرف را اصلاح کنند. من این سال را سال حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف می‌دانم و امیدوارم که این عنوان که اصلاح الگوی مصرف است برای همه ما دستورالعمل باشد و همه ما بتوانیم بر طبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نماییم.»

مطالعه رفتارهای مصرفی در جامعه ایران امروزی نیز حاکی از وجود مصادیق فراوان مصارف غیرضروری و توأم با اسراف و تبذیر است. به طوری که بعنوان نمونه: متوسط مصرف انرژی در ایران دو برابر متوسط جهانی و ۱/۵ برابر متوسط منطقه خاورمیانه می‌باشد. وجود چشم و

همچشمی و گسترش تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی در الگوی مصرف بهینه که هم مبتنی بر اصول علم اقتصاد و هم براساس تعالیم وحی می‌باشد از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر بشمار می‌آید.

۱-۱- تعریف مصرف:

مصرف براساس نیاز حقیقی، نه بر پایه نیاز کاذب و زیاده‌خواهی با تأملی دقیق در دو واژه مصرف و مصرف‌زدگی، درمی‌یابیم که آنچه این دو را از هم جدا کرده و وجه تمایز بین این دو می‌شود، آن است که اساس «مصرف» بر پایه نیاز حقیقی و طبیعی انسان‌هاست؛ در حالی که مصرف‌گرایی و مصرف‌زدگی در نیازهای کاذب و زیاده‌خواهی‌های انسان، ریشه دارد.

در حقیقت، این نیازهای کاذب و غیرضروری انسان‌هاست که آنها را به سوی انواع اسراف‌ها و زیاده‌خواهی‌ها سوق می‌دهد، و از آنها انسان‌هایی مصرف‌زده می‌سازد؛ نه نیازهای طبیعی و حقیقی آنها.

«از مباحث اساسی اسلام در اخلاق مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیرواقعی است که خود، از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام با نظام سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از دیدگاه اسلام، نیاز مادی آدم باید در حدّ متعارف تأمین گردد؛ ولی مصارف بیهوده و کاذب به هیچ روی تأیید نشده است.»

به تعبیر استاد شهید مطهری: «... آیا این همه محصولات ماشینی که در دنیا تولید می‌شود براساس احتیاج بشر است؟ ابداً. هیچ با احتیاجات بشر هماهنگ نیست. فقط حرص‌ها و آزهاست که اینها را به این شکل درآورده است. مصرف چطور؟ امروز هزاران نیرنگ در دنیار به کار می‌برند. برای اینکه مصرف‌های مصنوعی بسازند. تمام وسایل ارتباط جمعی دنیا در

خدمت سرمایه‌دارهای بزرگ است برای ایجاد اشتباهی کاذب در مصرف کردن؛ یعنی ماشین‌ها پیوسته دارند تولید می‌کنند؛ ولی چون بشر این مقدار نیاز ندارد، آنها با وسایل مختلف، با موسیقی، با جاذبه‌های زنان، با فیلم‌ها، با تلویزیون‌ها و وسایل دیگر می‌خواهند کالاهای تولید شده را به خورد بشر بدهند، که بشر از یک طرف، مدام بدون برای پول در آوردن، و از طرف دیگر به سرعت خرج کند برای اینکه چرخ‌های ماشین‌های اینها بگردد.»

«از یاد نبریم که نیازهای کاذب، آدمی را به مصرف‌گرایی و تجملات می‌کشاند و به امیال نفسانی وی دامن می‌زند، و با گرایش‌های متعالی اسلام همانند عدالت‌خواهی و نوع‌دوستی و ارزش‌های اصیلی همچون زهد و قناعت در تضاد است. اولیای الهی از یک سو با ارائه الگوی عملی مصرف که مبتنی بر ارزش‌های دینی است، به تبلیغ مصرف اسلامی می‌پرداخته‌اند و با زهد و ساده‌زیستی، هرگونه مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی را مردود دانسته‌اند و از سوی دیگر، با تعدیل و کنترل تبلیغات، هرگونه اقدام مسلمانان را که نشان از مصرف‌گرایی داشت، نکوهیده‌اند.»

مصرف از دیدگاه‌های مختلف دارای تعابیر متفاوتی است. لیکن مصرف از مهم‌ترین موضوعات مطرح در علم اقتصاد محسوب می‌گردد که ساده‌ترین تعریف آن، عبارت است از استفاده از منابع برای رفع نیاز و تامین خواسته‌های انسان؛ بدین معنا که ما به عنوان انسان، نیازهایی داریم که به طور طبیعی باید آنها را برطرف کنیم. هنگامی که برای رفع نیازهای خود از منابع مان استفاده می‌کنیم، این اقدام «مصرف» نامیده می‌شود. مصرف‌کننده خرد که افراد و خانوارها هستند؛ مصرف‌کننده‌های میانی که شامل مؤسسات و بنگاه‌های خصوصی هستند و مصرف‌کننده‌های کلان که دولت به مفهوم کل نظام یا همان بخش غیرخصوصی و غیر خانواری است که دارای بزرگترین حجم مصرف نیز هست. حال اگر هر یک از

مصرف‌کنندگان بالا، بیشتر از اندازه مصرف کنند، مصرف‌گرایی یا مصرف‌زدگی پیش می‌آید. از طرفی، مصرف‌زدگی، یک بیماری و اعتیادی است که باعث می‌شود از منابع موجود کشور، برداشت بیش از اندازه شود؛ یعنی وقتی بیش از اندازه مصرف کردیم، «مصرف‌زده» یا «مصرف‌گرا» نامیده می‌شویم.

با توجه به تعریف علم اقتصاد مصرف کالاها و خدمات در صورتی که منجر به رضایت خاطر مصرف‌کننده (مطلوبیت) گردد، توجیه منطقی خواهد داشت.

بر اساس اصول و مبانی علم اقتصاد هدف از مصرف کسب مطلوبیت (به مفهوم رضایت خاطر ناشی از مصرف کالاها و خدمات) می‌باشد بطوریکه حداکثر کردن مطلوبیت ناشی از مصرف کالاها و خدمات با توجه به شرایط و محدودیت‌های بودجه‌ای مصرف‌کننده بعنوان ابزاری جهت تحلیل رفتار مصرفی مورد توجه قرار می‌گیرد.

MAX

u: مطلوبیت

$$U = f(x_1, x_2, \dots, x_n)$$

n: تعداد کالاها و خدمات

s.t

x: کالاها و خدمات مصرفی

$$M = P_1x_1 + P_2x_2, \dots, P_nx_n$$

m: درآمد مصرف‌کننده

p: قیمت کالاها و خدمات

۲-۱ - صرفه‌جویی:

صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست، بلکه به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.

۳-۱ - مفهوم اتراف:

«اتراف» به معنای زندگی بر مبنای اصل التذان و خوش‌گذرانی و غفلت از هدف‌داری دستگاه آفرینش و جایگاه انسان در جهان است.

۴-۱ - اسراف:

در قرآن و احادیث، اسراف به هرگونه تجاوز و زیاده‌روی گفته می‌شود، که در هر حال عملی است ممنوع و محکوم و مورد خشم و انزجار خداوند متعال، و از آن به شدت منع شده است. چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرمایند: هرچه از حد میانه‌روی بگذرد، اسراف است. در واقع بیش از حد مصرف کردن را اسراف گویند.

۵-۱ - تبذیر:

بد مصرف کردن و در واقع تلف کردن مال را گویند. بعبارت دیگر، ریخت و پاش و ولخرجی را تبذیر نامند.

۶-۱ - اثربخشی:

براساس تعاریف جدید در ادبیات توسعه اقتصادی و مبانی علم مدیریت منظور از اثربخشی، انجام دادن کارهای درست می‌باشد. در واقع هر سازمانی و یا هر فردی در مرحله نخست بایستی کارهای درست و صحیح را شناسایی کند تا فعالیت‌های اثربخش گردد.

۷-۱- کارآیی:

درست انجام دادن کار را کارایی گویند. هرچه نسبت کار انجام شده به کل کار درست و اصولی به مرحله اجراء درآید، به همان اندازه آن فعالیت کارایی خواهد داشت.

۸-۱- بهره‌وری:

امروزه منظور از بهره‌وری، ترکیب اثربخشی و کارآیی است. در واقع درست انجام دادن کارهای درست را بهره‌وری می‌نامند. این درحالی است که در قدیم، نسبت خروجی به ورودی و یا نسبت ستانده به داده، تعریف بهره‌وری بود.

۹-۱- تبیین الگوی مصرف:

منظور از الگوی مصرف، حداکثر نمودن مطلوبیت با توجه به محدودیت بودجه خانوار را الگوی مصرف نامند.

اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است.

از طرفی الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا علاوه بر پیشرفت علمی ناشی از ارتقای فن‌آوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات بهینه مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بوده است نیز فراهم گردد. اصلاح الگوی مصرف در سه سطح "تولید کالا"، "مصرف کالا" و سیستم موجود قابل بررسی است. یعنی ما در این راستا نیازمند مهندسی تولید، مهندسی مصرف و بازتعریف سیستمهای نظارت و ارزیابی هستیم.

در سطح تولید کالا که از مرحله تبدیل مواد خام تا انتقال و توزیع به مصرف‌کننده را شامل می‌شود، نیاز است که سازندگان و تولیدکنندگان هر دو بخش دولتی و خصوصی علاوه بر رعایت ضوابط زیست محیطی، فن‌آوری تولید کالاهای خود را با استانداردهای جهانی و حتی‌الامکان مناسب با اقلیم هر منطقه مطابق کنند.

در سطح "مصرف کالا" باید برای فرهنگ‌سازی نحوه مصرف بهینه هر نوع کالای تولیدی خصوصاً آب، برق و گاز که تهیه آنها برای مصرف‌کننده سهل‌الوصول‌تر است آموزش از طریق مدارس، رسانه‌ها، تولیدکنندگان، اینترنت و مابقی روشها صورت پذیرد.

همچنین مردم ایران به علت پیوند با دین و مظاهر مقدس دینی به خوبی سنت‌های نهادینه شده را می‌پذیرند و بدان ارج می‌نهند. لذا می‌توان در بخش آموزش از تعالیم و آموزه‌های دینی که بر صرفه‌جویی تأکید دارند نیز بیشتر بهره برد.

در سطح سیستم، بازتعریف ارتباط بین تولید و مصرف، ایجاد ساختارهای نوین نظارتی بر عملکرد هر دو واحد، پیشنهاد الگوهای مدرن و بروز، کمک به اصلاح هر دو ساختار و ایجاد نگرشی فرامکانی و زمانی مورد نیاز می‌باشد.

۱-۱۰- قناعت، مفهومی اخلاقی در مصرف

قناعت به معنای رضایت آدمی به چیزی است که دارد، و طمع نورزیدن به آنچه در دست دیگران است. گاه شخص به سبب نبود امکانات، به آنچه دارد قناعت می‌ورزد؛ و گاه با اختیار، به مقدار نیاز بسنده می‌کند و از بهره‌مندی بیشتر پرهیز می‌کند؛ به بیان دیگر، به نداشته‌هایش غبطه نمی‌خورد و به داشته‌هایش کفایت کرده، شکرگزاری می‌کند و از زیاده‌خواهی دوری می‌کند. (غصه می‌خورم کفش ندارم، یکی را دیدم پا

نداشت.) از این رو سفارش‌های پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) درباره قناعت، در جهت این موضوع، مهم است؛ زیرا با این نگاه خاص در می‌یابیم که غنا در قناعت موجود می‌شود، و غنی کسی است که با قناعت، میانه‌روی و اعتدال در مصرف از دیگران بی‌نیاز شده باشد.

۱-۱۱- اصلاح فرایندها :

فرآیند مجموعه فعالیت‌های متوالی و مرتبط بوده که محصول خاصی را بوجود می‌آورد و برای ایجاد این محصول به درون‌داده‌های خاصی نیاز دارد که زمینه را برای درست عمل نمودن آن فراهم می‌سازند. هر کسی که حداقل در یکی از مراحل عملکرد فرآیند درگیر باشد، صاحب فرآیند محسوب می‌گردد. فرآیندهای موجود در هر سازمان برای دستیابی به مأموریت سازمان طراحی شده‌اند؛ تا با عملکرد بهتر نیازهای اساسی مردم را تأمین نمایند.

برای پاسخ‌گویی به نیازها و خواسته‌های مشتری‌ها باید فرآیندهای موجود کارایی و اثربخشی لازم را داشته باشند. یک فرآیند زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که بصورت درست انجام گیرد و زمانی از اثر بخشی برخوردار خواهد بود که بصورت درست انتخاب و طراحی شده باشد. کارایی هر فرآیند انجام درست کار و اثر بخشی آن انتخاب درست کار را نشان می‌دهد.

۱-۱۲- تعریف مهندسی مجدد فرایندها:

هر سازمان و یا شرکت، یک نهاد اجتماعی است که مبتنی بر هدف بوده و دارای سیستم‌های فعال و هماهنگ است و با محیط خارجی ارتباط دارد. در گذشته، هنگامی که محیط نسبتاً با ثبات بود بیشتر سازمان‌ها برای بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌آمده به تغییرهای تدریجی و اندک اکتفا

می‌کردند؛ اما با گذشت زمان، در سراسر دنیا سازمان‌ها دریافته‌اند که تنها تغییرهای تدریجی راه‌گشای مشکلات کنونی آنان نیست و گاهی برای بقای سازمان لازم است تغییرهایی به صورتی اساسی و زیربنایی در سازمان ایجاد شود. امروزه در سراسر دنیا این تغییرهای انقلابی را با نام مهندسی مجدد می‌شناسند؛ مهندسی مجدد (BPR) روندی است که در آن وظیفه‌های فعلی سازمان جای خود را با فرآیندهای اصلی کسب و کار عوض کرده و بنابراین، سازمان از حالت وظیفه‌گرایی به سوی فرآیندمحوری حرکت می‌کند. همین امر موجب سرعت بخشیدن به روند کسب و کار و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه رقابتی‌تر شدن سازمان می‌گردد.

در مهندسی مجدد اعتقاد بر این است که مهندسی مجدد را نمی‌توان با گام‌های کوچک و محتاط به اجرا درآورد. این قضیه همان قضیه صفر یا یک است؛ به عبارت دیگر یا تغییری تحقق نیابد و یا در صورت تحقق از ریشه و بنیان تغییر حاصل گردد. مهندسی مجدد به این معنا نیست که آنچه را که از پیش وجود دارد ترمیم کنیم یا تغییرهایی اضافی بدهیم و ساختارهای اصلی را دست نخورده باقی بگذاریم؛ مهندسی مجدد یعنی از نقطه صفر شروع کردن، یعنی به کنار نهادن روش‌های قدیمی و افکندن نگاهی نو به کار.

فصل ۲

**بررسی مبانی دینی. اخلاقی
و فرهنگی الگوی مصرف
با تاکید بر مفاهیم قرآنی و
آموزه‌های رسول گرامی
اسلام (ص) و
ائمہ اطهار(ع) و علماء دینی**

مقدمه

وجود آیات و روایات فراوان در رابطه با اسراف و تبذیر در دین مبین اسلام بیانگر آنست که بیش از حد مصرف کردن (اسراف) و بد مصرف کردن (تبذیر و اتلاف) و مصرف زدگی (اتراف) از نظر اسلام حرام است. از سوی دیگر ممنوعیت مصارف غیر ضروری و اسراف آمیز در اسلام به معنای کم مصرف کردن نیست. چراکه تأکیدات زیادی در خصوص مذموم بودن خست در اسلام بیان شده است. در واقع در اسلام اعتدال در مصرف مدنظر می باشد و می توان این گونه نتیجه گرفت در نظام اقتصاد اسلامی، الگوی مصرف در ناحیه دوم مورد توجه است.

مصرف یکی از طبیعی ترین نیازهای انسان در همه شرایط و اوضاع می باشد و نقش قابل توجهی در تقاضای کل هر کشور دارد. بطور میانگین سهم مصرف در میان عناصر اصلی تقاضای کل (مصرف) سرمایه گذاری، هزینه دولت و تقاضای خارجی ها یا خالص صادرات، متجاوز از ۵۵ درصد می باشد. از سوی دیگر زیاده روی در مصرف باعث هدر رفتن بخشی از منابع و سرمایه های ملی می شود و پس انداز صورت نمی گیرد. کشورهای که پس انداز کمتری داشته باشند، زمینه سرمایه گذاری مناسبی نخواهند داشت. یک علت موفقیت ژاپنی ها، مصرف معقول و میانه و لذا پس انداز بالا است و به همین خاطر سرمایه گذاری و تولید در آن شرکت وضع مطلوبی دارد. آمریکایی ها مصرف گراتر از ژاپنی ها هستند و به این خاطر معمولاً سرمای گذاری آنها نسبت به ژاپن (با فرض ثبات سایر چیزها) پایین تر است. البته در کشورهای جهان سوم مقدار پس انداز به مراتب کمتر از کشورهای پیشرفته می باشد. یکی از دشواری های جدی اقتصادی در کشور ایران همین مصرف گرایی حاکم بر آن می باشد.

عدم توازن بین مصرف معقول و ضروری و مصرف غیراستاندارد باعث می‌شود که تخصیص منابع غذایی در برخی کشورها بصورت غیرمطلوب باشد. آمارهای رسمی نشان می‌دهند که در ایران با وجودی که بیش از ۴۰ درصد جمعیت کمتر از نیازهای واقعی مصرف می‌کنند، در مقابل بیش از ۴۰ درصد نیز کمتر از میزان استاندارد لازم مصرف دارند و لذا جمعیت دارای مصرف متعادل و معقول کمتر از ۲۰ درصد خواهند بود.

۲-۱- از دیدگاه قرآن کریم

دین مقدس اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را مباح و روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند و این بدان جهت است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارآیی خود، در برابر جامعه مسئولیت دارد. در این صورت فرد اسرافکار قهراً از اجرای مسئولیت و تعهدات اجتماعی خود باز می‌ماند و از این رهگذر بر پیکر جامعه ضربه می‌زند.

قرآن مجید این حقیقت را در ضمن مباحث اجتماعی در قالب‌هایی زیبا بیان می‌کند و با هشدار به پیروان خود در آیه ۱۹۵ سوره بقره می‌فرماید: «یعنی در راه خدا انفاق کنید و با دست‌های خود، خود را به هلاکت و نابودی نیفکنید.» از این آیه شریفه چنین استفاده می‌شود که اگر مال در راه خدا و سود جامعه و رفع نیازمندی‌های مردم مصرف نشود سرنوشت آن جامعه و ملت به هلاکت و سقوط می‌انجامد.

در آیه شریفه ۳۱ سوره اعراف خداوند متعال از مردم خواسته است که به خاطر زیان‌های فراوان فردی و اجتماعی و آثار و عواقب شوم این گناه بزرگ، از اسراف دوری کنند.

در آیات قرآن کریم و سخن ائمه اطهار (ع) از پرخوری و اسراف به شدت نهی شده است. در قرآن کریم حدود ۱۳ بار کلمه اسراف با الفاظ گوناگون به کار رفته است.

در آیه ۱۳۷ سوره طه، خداوند متعال فرموده اند: «و این چنین جزا می‌دهیم به هر کس اسراف کند و به آیت‌های خداوند نگرود و برای او عذاب سخت و پاینده است».

از امام باقر (ع) نقل است که «پدرم به شدت از اسراف دوری می‌کرد. هنگام غذا اگر خرده‌های نان در سفره بود، می‌خورد و می‌فرمود: خداوند امت‌های گذشته را به خاطر اسراف عذاب فرمود».

یا در آیه ۶۷ سوره فرقان درباره صفات عبدالرحمن فرموده اند: «آنان که در هنگام انفاق نه اسراف می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، بلکه بین این دو راه اعتدال را انتخاب می‌کنند».

اسراف عبارت از خارج شدن از حد اعتدال است. مثلاً لباسی بپوشیم که چندین برابر قیمت لباس مناسب ما ارزش داشته باشد یا غذای گران قیمتی تهیه کنیم که با یک وعده آن می‌توان ده‌ها نفر را از غذای مناسب و معمول سیر کرد. اسراف همراه با تفاخر و فخر فروشی است.

البته به قول مفسر تفسیر نمونه: بسیار دیده می‌شود که این دو کلمه درست در یک معنی به کار می‌روند و حتی برای تأکید پشت سر یکدیگر هم قرار می‌گیرند. درباره لزوم دوری از اسراف خداوند متعال آیه ۱۴۱ سوره انعام می‌فرماید: «و او آن خدایی است که برای شما بستان‌ها در درختان (مانند انگور) داربستی و درختان آزاد و درختان خرما و زراعت‌ها که میوه و دانه‌های گوناگون دارند و زیتون و انار و میوه‌های مشابه به یکدیگر و میوه‌های نامشابه (چون سیب و انار) بیافرید و شما هم از آن میوه‌ها هرگاه

برسد تناول کنید و حق زکات فقیران را بدهید و روز برداشت محصول اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد».

در آیه ۲۸ سوره غافر آمده است: «خدا مردم مسرف دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد».

در آیه ۱۵۱ سوره شعرا هم می‌فرماید: «از رفتار روسای مسرف ستمگر پیروی نکنید».

از آیات قرآن کریم به خوبی فهمیده می‌شود که، اسراف و تبذیر نقطه مقابل بخل و خست و هر دو بد و نامناسب و زشت هستند. از پیامبر اسلام (ص) درباره لزوم دوری از اسراف روایت شده است که فرموده‌اند:

«شکمبارگی اسباب نافرمانی خداوند است. کم‌خوری از پاکدامنی و پرخوری از اسراف است».

امام علی (ع) نیز فرموده اند: «از پرخوری دوری کنید که موجب قساوت قلب، تنبلی در نماز و سبب تباهی بدن است».

«از پرخوری بپرهیز که هر کس پیوسته پرخوری کند دردهایش فراوان شود و خواب‌های پریشان ببیند.» البته همه می‌دانیم که پرخوری یکی از مصادیق اسراف است.

در عصر و زمان ما که بیماری‌های گوناگونی مانند بیماری قند، چربی خون، تصلب شرائین، نارسایی‌های کبد و انواع سکت‌ها، فراوان شده، افراط در تغذیه یا توجه به عدم تحرک جسمانی کافی، یکی از عوامل اصلی محسوب می‌شود و برای از بین بردن این گونه بیماری‌ها راهی جز حرکت کافی و میانه‌روی در تغذیه نیست.

مفسر بزرگ ما، مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» مطلب جالبی نقل می‌کند که هارون الرشید طبیبی مسیحی داشت که مهارت او در طب معروف

بود: روزی این طبیب به یکی از دانشمندان اسلامی گفت: من در کتاب آسمانی چیزی از طب نمی‌یابم. در حالی که دانش مفید بر دو گونه است: علم ادیان و علم ابدان، او در پاسخ چنین گفت: خداوند همه دستورات طبی را در نصف آیه از کتاب خویش آورده است: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید» و پیامبر ما نیز طب را در این دستور خویش خلاصه کرده است: «معهده خانه همه بیماری‌هاست و امساک سرآمد همه داروهاست و به آن چه بدنت را عادت داده‌ای (از عادات درست) آن را از او دریغ ندار.»

طیب مسیحی هنگامی که این سخن را شنید، گفت: قرآن شما و پیامبرتان برای جالینوس (طیب معروف) طبی باقی نگذارده‌اند. کسانی که این دستور را ساده فکر می‌کنند، خوب است در زندگی خود آن را بیازمایند تا با اهمیت و عمق آن آشنا شوند و معجزه رعایت این دستور را در سلامت جسم و تن خود ببینند.

بخشی از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت: به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش «درست مصرف کردن» اختصاص یافته است؛ آیات و اخباری که در آنها به میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد نگه داشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف‌اند. و مصرف درست، آن است که با توصیه‌های یاد شده هماهنگ باشد.

البته برای استقرار فرهنگ صحیح مصرفی، نیاز به زمان است؛ زیرا ایجاد و شکل‌گیری فرهنگ، متکی به گذشت زمان است. بنابراین بایسته است که افراد از کودکی در خانواده و محیط مدرسه، با زیانهای فرهنگ مصرفی، و سودمندی فرهنگ صرفه‌جویی، اهمیت و ارزش این حس برای بهبود وضع خود و اجتماع خود آشنا شوند. بسیاری از افراد جامعه ما به غلط می‌پندارند که همه مردمان کشورهای اروپایی و غربی، مصرف‌زده و اسرافکارند و به

همین دلیل مقلدان آنها، اسراف و مصرف‌گرایی را مسئله‌ای طبیعی می‌دانند؛ در حالی که این وظیفه آگاهان جامعه و اروپا رفته‌های مُنصف است که حداقل این گونه افراد را به فرهنگ مصرف مغرب زمین آشنا سازند، و آنان را از این نکته آگاه سازند که یکی از رازهای پیشرفت اروپا دست کم در زمینه‌های مادی و دنیایی پرهیز آنان از اسراف و مصرف زدگی بوده است کمتر کسی است که به اروپا سفر کرده و در آن کشورها، علیرغم ثروت و مکت، از بیزاری آنها نسبت به اسراف، آگاهی پیدا نکرده، و متوجه نشده است که چگونه آنها در مصرف برق، آب، غذا، سوخت و خیلی چیزهای دیگر جانب صرفه‌جویی را دارند و حتی اسراف را نوعی اهانت به خود و کشورشان می‌دانند.

اسلام، آیینی جامع است که هم نسبت به دنیای پیروانش اهتمام می‌ورزد و هم نسبت به آخرت آنان و بر این اساس از مسلمانان می‌خواهد که دنیا خواهی، آنان را از آخرت غافل نسازد، و آخرت طلبی نیز آنها را از دنیا باز ندارد؛ همان‌گونه که از امام باقر(ع) نقل شده است که می‌فرماید:

«کسی که دنیایش را برای آخرتش و آخرتش را به دنیایش وانهد از ما نیست.»

بر این اساس، اسلام از یک سو راه مصرف را برای انسانها باز می‌گذارد تا دنیایشان سامان پذیرد و زندگی به کامشان گوارا شود، و از سوی دیگر، کاملاً مراقب است که مسئله مصرف از جاده اعتدال و شرع خارج نشود، و بدین‌گونه آخرت آنها نیز آباد شود. و از آنجا که اصل مصرف با غریزه و طبیعت انسان همسو است و انسان به طور طبیعی و غریزی به مصرف گرایش دارد، دین مقدس اسلام درباره توصیه به مصرف، چندان نیازی نمی‌بیند؛ اما از آنجا که همواره لذت مصرف می‌تواند زمینه‌ساز انواع لغزشها، اسرافها و فخرفروشیها باشد، ضرورت اصلاح الگوی مصرف،

توصیه دائمی آموزه‌های قرآنی و روایی می‌شود، تا بر اثر رعایت این اصل، پیروان اسلام، هم از اصل لذت مصرف باز نمانند و هم از مصرف‌زدگی دور بمانند و در نتیجه بر اثر سامان دادن به مصرف خویش، خوشبختی دنیا و آخرت را در خویش گرد آورند. در حدیثی دلنشین از امام صادق(ع) در این باره می‌خوانیم:

«آیا چنان تصور می‌کنی که خداوند، کسی را که مالی داده به خاطر کرامتش بر او است و فرد محروم از آن را خوار شمرده است؟ هرگز! بلکه مال، مال خداست، و آن را نزد اشخاص به امانت می‌گذارد، و بر ایشان روا می‌دارد که از آن با میانه روی بخورند، و با میانه روی بنوشند، و با میانه روی بیوشند، و با میانه روی زناشویی کنند، و با میانه روی از مرکب استفاده کنند؛ و هر چه جز آن (مصرف اقتصادی) باشد، به فقرای مؤمنان دهند، و به نابسامانی زندگی ایشان سامان بخشند. پس هر کس چنین کند، خوردنی و نوشیدنی و سواری و مرکب و زناشویی او حلال است و هر کس، چنین نکند، بر او حرام خواهد بود.» سپس فرمود: «اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد. آیا خیال می‌کنی که چون خدا به کسی مالی دهد و او را در آن امین بداند، به وی این اجازه را می‌دهد که اسبی را به ده هزار درهم برای سوار شدن خود بخرد؛ در صورتی که اسبی به بهای بیست درهم برای او کافی باشد. و [خداوند در قرآن] فرمود: اسراف نکنید که خداوند اسرافکاران را دوست ندارد.»

در صدر اسلام یکی از ویژگی‌های واضح در مصرف حفظ نوعی تعادل بوده است. به گونه‌ای که از مصرف بیش از نیاز واقعی ممانعت می‌شده و مورد تقبیح قرار می‌گرفته و البته کم مصرفی افراطی و زهد افراطی نیز مذموم شمرده می‌شده است.

در اسلام حتی در آنجا که فرمان به امور خیر و ثواب هم داده شده باز تذکری مبنی بر اجتناب از معصیت قرار دارد. در آیه ۲۶ سوره «اسراء» قرآن کریم آمده است: «و حق خویشاوند و حق فقیر و وامانده در راه را بپرداز و هیچ نوع اسراف و ریخت و پاش مکن».

۲-۲ - از دیدگاه پیامبر اعظم(ص) و ائمه معصومین علیهم السلام

در روایات اسلامی از انسان‌هایی که روح مصرف‌گرایی دارند، و همواره در پی پاسخ‌گویی به نیازهای کاذب و خواسته‌های نفسانی سیری ناپذیری‌اند، به عنوان کسانی یاد شده است که از نگاه مهرآمیز خداوند بی‌بهره‌اند.

در حدیثی زیبا از رسول خاتم(ص) در این باره می‌خوانیم: «هر کس هر چه [دلش] خواست بخورد، هر چه دوست داشت بپوشد و هر چه از مرکبها [نظرش را گرفت] سوار شود، خداوند [با نظر لطف آمیز] به او ننگرد، تا او را مرگ فرا رسد یا آن کارها را ترک نماید».

همچنین بعضی وقتها شخص به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به فردی صاحب مقام، تلاش می‌کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران‌قیمت و تجملاتی بداند، و با مسأله شأن، آن را توجیه کند؛ بی‌آنکه در واقع، نیازی بدان داشته باشد. رعایت چنین شأنی هیچ مدرک و دلیلی ندارد؛ چرا که آیات و روایات متعدد و سیره رسول خدا(ص) و معصومان: شأنهای اعتباری را که برخی افراد یا گروهها، خاستگاه امتیازاتی ویژه برای خود تلقی کرده‌اند، پوچ و بی‌اساس معرفی کرده‌اند. بنابراین، موقعیت اجتماعی، در صورتی که نیازی واقعی به استفاده از برخی امکانات را ایجاد نکند، نه تنها توجیه‌گر تجمل‌گرایی نیست، که مسئولیت مضاعفی در لزوم زهد و ساده‌زیستی را نیز ایجاد می‌کند.

درسی از رسول خدا (ص)

در کتاب تحف العقول آمده است: «مردی شیر و عسل برای پیامبر(ص) آورد تا بنوشد فرمود: دو نوشیدنی که یکی از دیگری کفایت می‌کند من آن را نخورم و حرام هم نمی‌کنم ولی برای خدا تواضع می‌کنم. زیرا هر که برای خدا تواضع کند خدایش بالا برد و هر که تکبر کند خداوند او را خوار سازد و هر که در زندگی میانه‌روی کند خدایش روزی دهد و هر که زیاده‌روی کند خداوند او را بی‌نصیب گرداند و هر که خدا را بسیار یاد کند خدایش جزا دهد».

نکاتی که در این حدیث شریف است مستلزم بحثی مفصل و هر کدام راهگشای سعادت دنیا و آخرت است اما مناسب با این مقال آن است که پیامبر (ص) می‌فرمایند: رعایت اقتصاد و میانه‌روی در معیشت باعث ازدیاد روزی و نزول برکات الهی است و فردی که رعایت اعتدال می‌کند دچار فقر و تنگدستی نمی‌شود و برعکس کسی که طریق اسراف و تبذیر پیش گیرد دچار محرومیت می‌شود و خداوند چنین بنده‌ای را به سختی معیشت مبتلا می‌سازد.

امام صادق(ع) فرمود: «چهار دسته هستند که دعایشان مستجاب نمی‌شود:

اول) کسی که در خانه می‌نشیند و می‌گوید: خدایا به من روزی بده! و در طلب روزی تلاش نمی‌کند در جواب او گفته می‌شود: آیا تو را به طلب روزی دستور ندادم؟

دوم) کسی که از همسر خود ناراحت است و او را نفرین می‌کند، می‌فرمایند: آیا امر او را به دست تو قرار ندادم؟

سوم) کسی که مالی داشته و آن را ضایع کرده است، می‌گوید: خدایا به من روزی بده! می‌فرمایند: آیا تو را به اقتصاد و میانه‌روی و

اعتدال در خرج امر نکردیم و آیا به تو دستور اصلاح در مال را
ندادیم؟

چهارم) کسانی که از مال خود بدون شاهد به دیگران وام دهند و بعد
وام‌گیرنده منکر شود، خداوند می‌فرماید: آیا به تو دستور ندادیم
شاهد بگیری؟

اما در هر صورت، مصرف بیش از میزان لازم مصداق اسراف است. نقل
مطلبی در این رابطه مفید به نظر می‌رسد. در یکی از جنگ‌ها در سال ششم
هجری رهبر یمامه نام «ثمامه بن اثال» مسلمان شد. معروف بود که وی قبل
از مسلمان شدن بسیار پرخوراک بوده است ولی پس از مسلمان شدن
بسیار کم خوراک شد. پیامبر در رابطه با ایشان فرمودند که: کافر با هفت
معهده و مسلمان با یک معده غذا می‌خورد. تخصیص بخشی از درآمد برای
انفاق و هزینه کردن در امور خیر از دیگر عناصر قابل توجه در مصرف
صدر اسلام است. این امر هم اثر اجتماعی دارد و هم یک پاداش اخروی به
همراه خواهد داشت.

پیامبر یک وقت گوسفندی را سر برید و بیشترین مقدار آنرا به فقرا و
همسایه‌ها داد، بگونه‌ای که یکی از زنان پیامبر گفت دیگر چیزی برای ما باقی
نماند و بیشتر آن از دست رفت و تقسیم شد. پیامبر جواب دادند که اتفاقاً
همان چیزی که برای خودمان باقی ماند، از دست رفت و آنچه برای ما باقی
خواهد ماند آن است که نسبت به دیگران انفاق گردید.

پدیده مصرف‌گرایی و اسراف در نقطه مقابل مصرف بهینه قرار گرفته
است. مصرف‌گرایی یا به عبارت ساده‌تری اسراف که یکی از بزرگ‌ترین
آفت‌ها و آسیب‌های فردی و اجتماعی و از گناہانی است که مورد نهی شدید
خداوند متعال واقع شده است و در مقابل اعتدال و میانه‌روی در مصرف
قرار گرفته است. درحقیقت مصرف‌گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از

بین رفتن منابع ملی است. مصرف‌گرایی از یک نگاه در معنای مصرف نامتعارف است که نیاز فیزیکی فرد را برطرف نمی‌سازد بلکه نیاز کاذب فرد یا افراد را که گاه به تقلید از دیگران، تبلیغات، شرایط مادی و یا تغییرات ساختار جامعه ایجاد شده برطرف می‌سازد.

مصرف‌گرایی در نگاه عالمان دین نیز در همان معنای لغوی اسراف استعمال شده است و هرگونه بیهوده‌گرایی، زیاده‌روی و اتلاف و مانند آنها را اسراف می‌دانند.

امیرالمومنین (ع) نیز با احتیاط در مصارف بخصوص در مصرف بیت‌المال عالی‌ترین نظارت را داشته و در کمال بی‌نیازی در قناعت و ساده‌زیستی بهترین الگوی مصرف را که همان اعتدال و میانه‌روی در مصارف بوده سفارش می‌کردند و به شدت اسراف، زیاده‌روی و مصرف‌گرایی را نکوهش می‌کردند به ویژه این امر را از والیان حکومتی غیرقابل پذیرش می‌دانستند. در این خصوص در نامه‌ای به فرماندار بصره، عثمان بن حنیف می‌نویسند: «پس از یاد خدا و درود! ای پسر حنیف، به من گزارش داده‌اند که مردی از سرمایه‌داران بصره، تو را به مهمانی خویش فرا خواند و تو به سرعت به سوی او شتافتی، خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌هایی از غذا پی‌درپی جلوی تو می‌نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند. اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری؟»

دین اسلام بهره‌برداری مشروع از نعمت‌های الهی و زیبایی‌های زندگی را مباح و روا و اسراف و زیاده‌روی را حرام و ناروا می‌داند و این بدان جهت است که مسلمان به تناسب امکانات و توانایی و کارایی خود در برابر جامعه مسئولیت دارد.

میان‌ه‌روی باعث پایداری نعمت می‌شود:

امام موسی بن جعفر (ع): به کسی که در زندگی میان‌ه‌روی و قناعت کند نعمت او باقی می‌ماند و آنکه با تبذیر و اسراف زندگی کند، نعمتش از بین می‌رود.

امام عسگری (ع) نیز در نامه‌ای که برای یکی از شیعیان فرستادند، او را به توانگری بشارت داده و توصیه فرمودند: «بر تو باد به میان‌ه‌روی و اعتدال و برحذر باش از اسراف؛ زیرا این عمل از کارهای شیطان است.» اسراف نکردن تنها در خوردن و آشامیدن نیست، بلکه موارد آن بسیار گسترده و همه‌جانبه است و طبق دستور قرآن اسراف نکردن و اعتدال و میان‌ه‌روی در همه امورات زندگی، امری لازم و ضروری است. روزی پیامبر اسلام (ص) از راهی می‌گذشت، ناگاه چشم حضرت به یکی از یارانش به نام «سعد» افتاد که در حال وضو گرفتن بود، ولی آب زیادی می‌ریخت. حضرت خطاب به او فرمود: ای سعد! چرا اسراف می‌کنی؟ سعد عرض کرد: یا رسول الله! در آب وضو نیز اسراف است؟ حضرت فرمود: بله اگر چه از آب جاری استفاده کنی!

یکی از تدابیر مهم اسلام برای تأمین زندگی و جلوگیری از فقر ارائه الگوی صحیح است. امام صادق (ع) فرموده است: «ضمانت می‌کنم کسی که میان‌ه‌روی کند، فقیر نشود.» رعایت اعتدال در هزینه‌های زندگی به قدری مهم است که امام علی (ع) درک لذت ایمان واقعی را منوط به آن دانسته و فرموده‌اند: «انسانی که این سه خصلت را نداشته باشد، حقیقت ایمان را نخواهد چشید: ژرف‌اندیشی در علم دین، شکیبایی در حوادث، اندازه‌گیری نیکو در امر معیشت.» امام کاظم (ع) نیز فرموده‌اند: «هیچ انسانی با میان‌ه‌روی نیازمند نمی‌شود.»

لزوم صرفه جویی و قناعت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«همانا میانه‌روی چیزی است که خداوند آن را دوست می‌دارد و همانا اسراف مبعوض خداوند است. حتی (اسراف) در دور انداختن هسته که آن به درد کاری می‌خورد و حتی دور ریختن اضافه آبی که می‌آشامی».

بدین جهت جامعه اسلامی باید به شدت از هر نوع اسراف پرهیز نماید.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«اسراف با کمی برکت همراه است».

و نیز: همانا اسراف موجب فقر است.

زیرا با حاکم شدن روحیه اسراف چه بسا کالاها و خدماتی که به جای تأمین احتیاجات و نیازهای حقیقی و لازم، صرف زیاده‌روی‌ها و لابلایی-گری‌ها می‌شود. و این، نسبت به فرد و جامعه هر دو متصور است، زیرا ممکن است هر فرد انسانی به واسطه زیاده‌روی‌های خود در بعض امور دچار فقر و تنگدستی شود و نتواند دیگر نیازهای لازم خود را برطرف سازد و یا آنکه به واسطه زیاده‌روی‌های عده‌ای که امکانات بیشتری در اختیار دارند زمینه استفاده از عده‌ای دیگر سلب گردد.

نگاهی ساده به اسراف‌کاری‌های عده‌ای بهره‌مند، نشان می‌دهد که با احتراز از آن اسراف‌کاری‌ها، چقدر انسان گرسنه و برهنه را می‌توان سیر کرد و پوشاند، و چقدر از اتلاف بیهوده اشیاء جلوگیری نمود، به جای ساختمان‌های سر به فلک کشیده و متعدد و با تجهیزات زرمداران دنیا، چقدر بینوا را می‌توان سرپناهی ساده داد تا آن را از سوزش گرما و لرزش سرما حفظ نماید درحالی که صاحبان آن کاخ‌ها چه بسا به بینش از یک صدم و یک هزارم آنچه ساخته‌اند احتیاج ندارند، چقدر از عوامل تولید به جای اشتغال به تولید کالاها و خدمات مورد نیاز جامعه، سرگرم ساختن کاخ‌ها و

ترزئیات بی مصرف چنین افراد و ارائه خدمات تشریفاتی غیر معقول به آنان می باشند.

۲-۳- قناعت فضیلت بزرگان

در کنار بحث اسراف که همواره در اسلام مورد مذمت قرار گرفته مسئله قناعت از جمله‌ی خصلت‌ها و ویژگی‌های ارزشمند برای یک مسلمان بشمار می‌رود، و همواره مورد توجه اسلام و اولیاء دین قرار گرفته است. در فرهنگ اسلامی صفت قناعت از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه و از آن بعنوان وسیله‌ای که سعادت ابدی آدمی را به دنبال داشته است بی‌تردید جای گرفتن قناعت در فرهنگ اسلامی و ترویج آن توسط بزرگان اهل فن صرف نظر از جایگاه علمی و تأثیرات شگرفی که در زندگی آدم‌ها دارد موضوعی کاملاً تثبیت یافته‌ی تجربی است که آدمی همواره عدم رعایت آن را از دست دادن فرصت‌ها و داشته‌های خویش به تلخی تجربه نموده است. این تجربه آن زمانی تلخ‌تر و کشنده است که آسیب‌زدگی اجتماع و زندگی مردمان بعلت قناعت‌ناپذیری و گرایش به اسراف و تبذیر باشد.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«هر که قناعت کند به آنچه که خدا به او می‌دهد، غنی‌ترین مردم است.»
در بسیاری از کتب اخلاقی خوگیری نفس انسان با صفات برجسته اخلاقی نقطه آغاز حرکت انسانی به سمت کمال حقیقی آسمانی بشمار می‌آید.

از جمله این صفات برجسته، قناعت‌پذیری و قانع بودن به موهبت‌های خداوندی است. در حقیقت علمای اخلاق در کنار بیان فضیلت‌های قناعت، روش‌های تحصیل این صفت پسندیده مورد بحث و بررسی دقیق قرار داده‌اند و به صورت مفصل به این امر پرداخته‌اند.

بر این اساس در می‌یابیم که در آموزه‌های دینی ما علاوه بر اینکه مسئله قناعت و صرفه‌جویی یک مسئله تأثیرگذار در جامعه به حساب می‌آید به ابعاد اجتماعی آن نیز پرداخته شده و بعنوان یک فضیلت همواره مورد تشویق قرار گرفته است.

به هم پیوستگی اجتماع و اثرپذیری تغییرات زندگی مردم بر یکدیگر و ضرورت، گریز از آسیب‌های طبیعی و غیرطبیعی و نیز در نظر گرفتن نیازهای روزمره و آینده زندگی نیاز آدمی را به رعایت فرهنگ قناعت صد چندان می‌کند.

توصیه‌های فراوان آموزه‌های دینی به زهد و قناعت و پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی، باعث شده است تا برخی کسانی که آگاهی همه جانبه از دین مقدس اسلام ندارند، در دامن تفریط بیفتند و زندگی را بر خویش سخت گیرند، و خود را بدون هیچ منع شرعی و عرفی، از بسیاری از نعمت‌های خداوند محروم دارند؛ اما همان‌گونه که افراط در مصرف و اسراف و ریخت و پاش، با روح اسلام ناسازگار است، اسلام، تفریط و کوتاهی در مصرف را نیز تأیید نمی‌کند.

صرفه جویی و قناعت در زندگی و هزینه های مختلف، مایه آرامش روحی و روانی است و کسی که آن را سرلوحه زندگی خود قرار می دهد، از فقر و بدبختی نجات می یابد و شرافت و عزت اجتماعی و رضایت و خشنودی الهی را به دست می آورد. اگر قرآن به مومنین صالح وعده خوشبختی و حیات طیبه داده است، طبق فرمایش امام علی(ع) مراد از آن قناعت در زندگی است. رسول خدا(ص) بهترین فرد از امت اسلامی را کسی می داند که صرفه جویی پیشه کرده و به روزی حلال قانع باشد و بدترین فرد از امت اسلامی را کسی دانسته که حریص دنیا باشد.

طبیعت انسان بر آمال و آرزوها سرشته شده است، اگر انسان بدون تربیت نفس پیش رود و دسترسی به مربی آگاه پیدا نکند، در چنین حالتی در آرزوهای مادی و شهوی باقی می ماند و هرگز به کمالات انسانی نمی رسد. اما اگر از تعالیم آسمانی بهره برده و بر نفس خود چیره شود و رسیدن به دنیا و اهل آن را هدف قرار ندهد، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید. راه عملی قناعت و اجتناب از اسراف، باور کردن حساب و بازدهی اعمال در روز رستاخیز و همسویی با نیکان و دوری از اهل دنیاست. امام باقر(ع) فرمودند: «با دوری از حرص و طمع به میدان قناعت وارد شو.»

توجه به اعتدال و صرفه جویی در هزینه های زندگی مایه بقا و توانایی مالی در زندگی و حافظ مناعت و شخصیت انسانی آدمی است. درآمد زندگی همچون چشمه آبی است که در بستر رود به جریان می افتد که اگر مهار نشود، هر اندازه که متراکم و انبوه هم باشد، یا به هدر می رود یا به دریا می ریزد؛ اما اگر در جای مناسبی سد شود و با دقت و محاسبه مقدار ورودی آن معین و بر همین اساس راه های خروجی آن اندازه گیری شود، نه تنها از هدر رفتن آن جلوگیری می شود بلکه با برنامه ریزی صحیح می توان از آن در جهات مختلف به صورت بهینه استفاده کرد.

اندازه‌گیری در مخارج نسبت به درآمد براساس ضرورت‌ها و پس‌انداز مقداری از مازاد مصرف، بنیان خانواده را تا حد زیادی در مقابله با خطرات محافظت خواهد نمود. اسراف بر هم زنده تعادل و موازنه بین دخل و خرج و نیز نابودکننده توانایی مالی زندگی و ضایع‌سازی ثروت و امکانات حیات است و حال آنکه قناعت عامل عزت، بی‌نیازی، خودکفایی، آرامش روحی و رضایت ابدی است.» خوشا به حال کسی که به یاد رستخیز بوده و با عمل نیک، خود را برای محاسبه آماده می‌سازد، و به آنچه خداوند روزی می‌دهد قناعت نموده، از خدا راضی می‌باشد.» از همین روست که رسول خدا (ص) فرمودند:

«بر شما باد به صرفه‌جویی زیرا آن گنجی است تمام نشدنی!»

بهترین راه شکرگزاری نعمت‌های بیکران الهی، استفاده درست و مصرف صحیح آنهاست؛ و در مکتب اسلام اسراف و مصرف نادرست، کفران نعمت و گناهی بزرگ محسوب می‌شود که آیات فراوانی در مذمت اسراف و تبذیر نازل شده و روایات نیز فزون از حد تواتر است از امام صادق (ع) روایت شده که: «خداوند میانه‌روی و صرفه‌جویی را دوست دارد و اسراف را دشمن می‌دارد حتی اسراف به اندازه دورانداختن هسته‌ای که شایستگی استفاده را دارد و حتی ریختن باقیمانده آبی که نوشیده می‌شود.»

امام خمینی (ره) در خصوص دقت در مصرف و همچنین پرهیز از مصرف بی‌جا بویژه در سازمان‌ها و ادارات فرمودند: حتی مطبوعات باید این را توجه داشته باشند که چیزهایی را که برای ملت مفید نیست در روزنامه ننویسند. کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف آن نکنند، باید رادیو و تلویزیون توجه به این معنا داشته باشند که این بیت‌المال مسلمین است و قتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین است شود مسئولیت دارد. اینها باید اشخاصی که مقاماتی هستند ملاحظه کنند که به اندازه

ضرورت مشاور بگیرند به اندازه ضرورت خدمتگزار بگیرند نه به اندازه دلخواه و این معنا را باید همه ما بدانیم که دلخواه‌های ما آخر ندارد. اما واضح‌ترین سفارش درباره ارزش مال و سرمایه و شیوه صحیح مصرف آن از امام محمد باقر (ع) روایت شده است که می‌فرمایند: «بقای اسلام و مسلمانان در این است که اموال و سرمایه‌های جامعه، نزد کسانی قرار گیرد که راه مصرف پسندیده آن اموال را بشناسند و آنها را در راه پسندیده مصرف کنند و فنا و نابودی اسلام و مسلمانان در این است که اموال و سرمایه‌های جامعه نزد کسانی باشد که راه مصرف صحیح و پسندیده اموال را نشناسند و آنها را در مسیر و جهت مطلوب مصرف نکنند».

فرمایشات مقام معظم رهبری

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی همین پیشرفت و عدالت، آن مسئله‌ای است که من در پیام نوروزی خطاب به ملت عزیز ایران عرض کردم؛ و آن مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجی‌ها و تضييع اموال جامعه است؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است. البته بار اولی نیست که ما این مطلب را مطرح می‌کنیم. من در همین دیدار اول سال، در نوبت‌های متعددی در همین جا خطاب به مردم عزیزمان درباره‌ی اسراف، درباره‌ی ولخرجی و تضييع اموال و لزوم صرفه‌جویی ما بایستی الگوی مصرف را اصلاح کنیم. ما بایستی به سمت اصلاح الگوی مصرف حرکت کنیم. مسئولین کشور در درجه‌ی اول - چه قوه‌ی مقننه، چه قوه‌ی مجریه، و چه سایر مسئولین کشور؛ قوه‌ی قضائیه و غیر آنها - و اشخاص و شخصیت‌ها در رتبه‌های مختلف اجتماعی، و آحاد مردم ما از فقیر و غنی، بایستی به این اصل توجه کنند که باید الگوی

مصرف را اصلاح کنند. اینجور مصرف کردن در همه‌ی زمینه‌ها - در امور ضروری زندگی، در زیاده‌های زندگی - مصرف کردن بی‌رویه و بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و به ضرر آحاد و اشخاص ماست. من از عموم مردم و بخصوص از مسئولین درخواست می‌کنم، خواهش می‌کنم که در این زمینه فعالیت خودشان را در این سال زیاد کنند، افزایش بدهند و برای اصلاح الگوی مصرف برنامه‌ریزی کنند.

لذا من این سال را، سال «حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف» می‌دانم و امیدوارم که این عنوان - که «اصلاح الگوی مصرف» است - برای همه‌ی ما دستورالعمل باشد و همه‌ی ما بتوانیم برطبق این شعار مهم و حیاتی و اساسی برای کشور عمل کنیم و از منابع کشورمان به بهترین وجهی استفاده نمائیم.

مطالبی را عرض کردم؛ اما این مسئله تمام نشده است؛ این مقصود، آنچنان که باید و شاید برآورده نشده است. لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جوئی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است. جامعه‌ی ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد؛ چون وضع جامعه‌ی ما از لحاظ مصرف، وضع خوبی نیست. این را من عرض می‌کنم؛ ما باید اعتراف کنیم به این مسئله. عادت‌های ما، سنت‌های ما، روش‌های غلطی که از این و آن یاد گرفته‌ایم، ما را سوق داده است به زیاده‌روی در

مصرف به نحو اسراف. یک نسبتی باید در جامعه میان تولید و مصرف وجود داشته باشد؛ یک نسبت شایسته‌ای به سود تولید؛ یعنی تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند؛ آنچه که زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما این جوری نیست. مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند؛ این، ضررهای مهم اقتصادی بر ما وارد میکند؛ جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. در آیات شریفه‌ی قرآن بارها راجع به پرهیز از اسراف در امور اقتصادی تأکید شده؛ این به خاطر همین است. اسراف، هم لطمه‌ی اقتصادی می‌زند، هم لطمه‌ی فرهنگی می‌زند. وقتی جامعه‌ای دچار بیماری اسراف شد، از لحاظ فرهنگی هم بر روی او تأثیرهای منفی می‌گذارد. بنابراین مسئله‌ی صرفه‌جوئی و اجتناب از اسراف، فقط یک مسئله‌ی اقتصادی نیست؛ هم اقتصادی است، هم اجتماعی است، هم فرهنگی است؛ آینده‌ی کشور را تهدید می‌کند.

من یکی دو تا از این آمارهای تکان‌دهنده را عرض بکنم؛ اسراف در قلم‌های مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب بررسی میدانی‌ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته می‌شود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه‌ی نانی که در این شهرها تولید می‌شود، دور ریخته می‌شود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوم! آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود- مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد - دولت از پول عمومی، از بودجه‌ی مردم گندم از خارج وارد کند، این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسف‌آور است! متأسفانه این واقعیت دارد، این هست.

در مورد آب بررسی‌هایی که کرده‌اند، می‌گویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه‌جویی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید می‌شود، از راه‌های دور آورده می‌شود، با بهای سنگین سدهائی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار می‌رود تا این آب به خانه‌ی ما بیاید؛ بعد در خانه‌ی ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود! این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسراف‌هایی دارد. آنچه که برحسب بررسی‌ها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حامل‌های انرژی - مصرف می‌کنیم؛ یعنی نفت، گاز، گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف می‌شود، با کالائی که تولید می‌شود؛ که هرچه انرژی‌ای که مصرف می‌شود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است! اینها اسراف‌هایی است که در جامعه دارد انجام می‌گیرد. در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. تجمل‌گرایی‌ها، چشم و هم‌چشمی‌ها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسایل تجملات، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف می‌کنیم. پولی که می‌تواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف می‌کنیم به

این چیزهای ناشی شده‌ی از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی، مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی می‌گیرند، عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمیگوئیم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست می‌کنیم، عزا درست می‌کنیم، هی رخت و بر روزبه‌روز دگرگون برای خودمان درست می‌کنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمی‌کنند؛ این فقط سخن دین نیست. قرآن میفرماید: «بخورید، بیاشامید، اما زیاده‌روی نکنید». در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر: خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (ع) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اینجوری میشود به عدالت رسید؟

باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بخوریم؟ چه

بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار می‌شود، این را کاًنه دور می‌اندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟! این چه هوس‌بازی‌ای است که ما به آن دچار هستیم.

مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف می‌شود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر می‌رود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر می‌رود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر می‌رود. اینها اسراف‌های ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند. اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمان‌های گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجمعات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مبلمان‌های گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمی‌شود؛ باید برنامه‌ریزی کنند. قوه‌ی مقننه و قوه‌ی مجریه موظفند به پیگیری. برنامه‌ریزی کنند، قانون‌گذاری کنند، قانون را با قاطعیت تمام اجراء کنند. این پیشرفتی که ما در این ده سال خواهیم داشت، بخش مهمی‌اش مربوط به همین قضیه است.

این صرفه‌جوئی‌ای که لازم است، از تولید تا مصرف تا بازیافت: آب را صرفه‌جوئی کنیم؛ یعنی از سدهایمان صیانت کنیم، شبکه‌های آبرسانی را اصلاح کنیم، آبیاری‌های باصرفه‌ی در کشاورزی را آموزش بدهیم که چه

جوری آبیاری بشود. البته این کارها خوشبختانه در این سال‌ها به میزان زیادی انجام گرفته، اما این کافی نیست؛ باید توسعه پیدا کند. زمینه‌سازی کنیم برای کاهش مصرف آب خانگی. اینکه گفته می‌شود از کسانی که مصرف زیاد دارند، مالیات بیشتری گرفته شود، یارانه‌ی کمتری به آنها داده شود، حرف بسیار معقولی است، حرف خوبی است. آن کسانی که مصرف کمی دارند، از کمک‌های دولتی، از کمک‌های عمومی بهره‌مند شوند. بعضی‌ها هستند به قدری کم آب مصرف می‌کنند که اگر دولت از آنها پول آب را هم نگیرد، مانعی ندارد. بعضی‌ها ده برابر آنها، بیست برابر آنها آب مصرف می‌کنند؛ خوب، اینها بایستی هزینه‌ی بیشتری بدهند.

در امر نان، تولید گندم خوب، تولید آرد خوب، نگهداری درست، پخت خوب، بعد هم مصرف درست؛ همه‌ی اینها لازم است. این مسئله‌ی اسراف و صرفه‌جویی بود، که لازم بود من عرض کنم.

صرف‌نظر از اهمیت خودداری از اسراف و تبذیر در دین از نظر موقعیت خاص کشور اسلامی که در محاصره حکومت‌های سلطه‌گر قرار گرفته اگر ما بتوانیم تجملات زندگی را حذف کنیم و رعایت اقتصاد و میانه‌روی را در همه حال مدنظر و برنامه عمل قرار دهیم، به استقلال کشور کمک کرده‌ایم و به پیروزی نهایی نزدیکتر شده‌ایم. در نتیجه این شعار را در اقصی نقاط عالم و دنیای اسلام و بالاخص ایران اسلامی اعلام کرده‌ایم که ما از تنگناهای اقتصادی نمی‌هراسیم و قدرت آن را داریم که روی پای خود بایستیم و به هیچ قدرتی جز خداوند متعال متکی نیستیم.

پیام نوروزی مقام معظم رهبری ۸۸/۱/۱

فصل ۳

اصلاح الگوی مصرف در دستگاه‌های اجرایی

مقدمه:

مصرف بی‌رویه در بخش‌های مختلف اقتصادی الگوی نامناسبی است که به شکل هنجاری عادی درآمده است و باید جهت تغییر آن همت مضاعفی، صورت گیرد. جامعه در حال گذار ایران در صدد است الگوی نامناسب مصرف را که طی چندین دهه در کشور شکل گرفته است، تغییر دهد. شکی نیست این تغییر که بسیار سخت به نظر می‌آید نیاز به راهکارهای مناسب و تدابیر کارشناسانه دارد و نمی‌توان الگویی را که طی زمان‌های طولانی شکل گرفته به روش شوک درمانی، سریعاً تغییر داد. الگوی نامناسب انرژی در ایران و مصرف بی‌رویه برخی اقلام غذایی وضعیت نامناسبی را در الگوی مصرف مردم ایجاد کرده است که باید خیلی سریع مورد بازنگری قرار گیرند. در صورت عدم تغییر این الگو شرایط زیست در سال‌های آتی بسیار دشوار خواهد شد بطوری که این امر می‌تواند ما را بسوی کشورهای فقیر سوق دهد.

توزیع نابرابر ثروت متأسفانه همواره وجود داشته و شکی نیست که نمی‌توان آن را با راهکارهای موجود مدیریت کرد و کاهش داد اما آنچه ما را از سایر کشورهای جهان متمایز می‌کند شرایط نامناسب مصرف در ایران است. مصرف در صورتی که براساس تولید نباشد بیخردانه است. کشوری می‌تواند راه رستگاری را در پیش گیرد که تولید کرده و بخشی از منابع خود را نخیره و در نهایت بهینه مصرف کند که این عین رستگاری است. بررسی الگوی نامناسب مصرف می‌تواند ضرورت حذف تدریجی یارانه‌ها را بیش از پیش نمایان کند و همراهی مردم را در تحقق این امر مهم، افزایش دهد.

واژه «اصلاح» به معنی رفع عیب، برطرف کردن نقصان، حذف مغایرت و غیره، هم در مورد اشیاء مادی و هم در مورد معانی، مفاهیم، روش‌ها،

ایده‌ها، باورها، رفتارها، هدف‌ها، برنامه‌ها و غیره به کار می‌رود. از ویژگی مهم عمل اصلاح نیاز به وجود یک نمونه، مدل و الگو به صورت کامل یا استاندارد و یا مورد انتظار، از آن چیزی است که قرار است عمل اصلاح مطابق با آن و در جهت تطبیق با آن انجام پذیرد. براساس مبانی علمی روانشناسی، جامعه‌شناسی و مدیریت عمل اصلاح و تعدیل رفتارها و الگوهای رفتاری انسانی در سطوح فردی، گروهی، سازمانی و ملی به ترتیب نیازمند:

۱. شناخت نحوه شکل‌گیری رفتار

۲. برنامه‌ریزی تغییر رفتار

۳. اجرای صحیح و کامل برنامه‌های تغییر رفتار است

برای اصلاح الگوی مصرف نیازمند اصلاح زیرساخت‌های تولید و خدمات در کشور و تغییر فرهنگ مصرف‌کننده می‌باشیم و واژه الگو دارای معانی و مصادیق متفاوتی است. در این مقام الگو عبارت است از «رفتار نهادینه شده و تثبیت شده» می‌باشد یعنی هرگاه یک رفتار فردی و یا اجتماعی و چه در زمینه مسائل و موضوعات اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و غیره در اثر کثرت تکرار در فرد و جامعه، تثبیت شده و نهادینه گردد این رفتار از خود یک «الگو» را خلق کرده است به طوری که انسان همواره می‌تواند براساس این الگو در موقعیت‌های مشابه، انتظار بروز تکرار چنین رفتاری را از فرد و یا جامعه پیش‌بینی نماید.

بر این اساس «الگوی مصرف منابع» عبارت است از «رفتارهای فردی و اجتماعی تثبیت شده و نهادینه شده‌ای است که در اثر کثرت تکرار رفتار به هنگام مصرف منابع، تشکیل یک الگوی رفتاری را داده است به طوری که بتوان براساس این الگو، انتظار تکرار چنین رفتاری را از فرد یا جامعه به هنگام مصرف منابع در موقعیت‌های مشابه در آینده پیش‌بینی کرد.

هدف نهایی از الگوی مصرف و اصلاح آن ارتقاء بهره‌وری است و رهبر معظم انقلاب در بیانات خود هدف اصلی و نهایی از موضوع حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف منابع را همانا پیشرفت و ارتقاء بهره‌وری فرمودند:

ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم بهترین استفاده را بکنیم:

از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمی‌گوییم پول را بردارید بروید حتماً انفاق کنید - البته اگر انسان انفاق بکند بهترین کار است - اما حتی اگر انفاق هم نکنند همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به کار بیندازید، در کارخانجات سهام شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است.

حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف منابع ایجاد یک حرکت آگاهانه‌ای (خودآگاه) در طبیعت و در هر یک از سطوح فردی، گروهی، سازمانی و ملی حداقل نیازمند شناسایی و برنامه‌ریزی برای اقداماتی از قبیل: انگیزه حرکت، مسیر حرکت، مبدأ حرکت (بهترین و مناسب‌ترین مسیر)، مقصد حرکت، هدف، تجهیزات، زمان و غیره می‌باشد که امروزه به نقشه راه (Road map) شهرت یافته است.

از طرف دیگر در حال حاضر برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تغییر و اصلاح الگوهای رفتاری مبتنی بر نقشه‌های راه در هر یک از سطوح فردی، گروهی، سازمانی و ملی نیازمند بهره‌گیری از دانشی تحت عنوان مدیریت تغییر است.

اصلاح الگوی مصرف به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است که سبب ارتقاء شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است. تبیین و تعریف یک الگوی مصرف در هر جامعه‌ای، براساس نگاه آن جامعه به هدف زندگی مشخص می‌شود، اینکه انسان جایگاه خود را در جهان چگونه می‌بیند و هدف از زندگی را چگونه تبیین می‌کند به طور مستقیم به شیوه و مصرف او اثرگذار است. با نگاهی گذرا به نقش عوامل اثرگذار در اصلاح الگوی مصرف، می‌توان دریافت بهینه‌سازی یا استانداردسازی واحدهای تولیدی، خدماتی و دولتی می‌تواند در اجرای صحیح این شعار موثر باشد.

۳-۱- پیامدهای اسراف در دستگاه‌های اجرایی

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال‌های متعددی همچون سال‌های ۱۳۷۷، ۱۳۷۶، ۱۳۷۵، ۱۳۷۴، ۱۳۷۱ و همچنین سال ۱۳۸۸ به اصلاح الگوی مصرف در پیام‌های نوروزی خود تأکید داشته‌اند. ایشان در سال ۱۳۷۴ بر لزوم پیگیری مجدانه و وجدان کاری و انضباط اجتماعی به عنوان دو اصل ضروری برای تحقق آبادانی و سازندگی در کشور از مردم و مسئولین خواستند تا با رعایت انضباط اقتصادی و مالی از ریخت و پاش، اسراف و زیاده‌روی در مصرف به طور جدی جلوگیری کنند. ایشان با اشاره به اهمیت مسئله انضباط اقتصادی و مالی در جامعه فرمودند: «انضباط اقتصادی و مالی به مفهوم مقابله با ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی و اسراف در مصرف است، کسانی بیخود خرج می‌کنند و مصرف آنها زیاده از حد است، موجودی جامعه را به لحاظ امکانات اقتصادی رعایت نمی‌کنند، آنها بی‌انضباط اقتصادی و مالی هستند و این جانب از آحاد ملت، مسئولین کشور و مأمورین دولت می‌خواهم که انضباط اقتصادی و مالی را جدی

بگیرند و تمامی افراد جامعه به ویژه کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند تنها باید به قدر رفع نیاز و حاجت خرج کنند» با این حال با توجه به پیام‌های مکرر ایشان در سال‌های متمادی چالش اسراف حل نشده و پیام نوروزی سال ۱۳۸۸، در تشریح زمینه‌هایی که نیازمند تغییر و تحول جدی است به موضوع اسراف‌های شخصی و عمومی و مصرف بی‌رویه منابع مختلف کشور اشاره کردند و فرمودند: «اسلام عزیز و همه عقلای عالم بر این نکته تأکید می‌کنند که مصرف باید مدبرانه و عاقلانه مدیریت شود. همه ما بخصوص مسئولان قوای سه‌گانه، شخصیت‌های اجتماعی و آحاد مردم باید در سال جدید در مسیر تحقق این شعار مهم و حیاتی و اساسی یعنی برنامه‌ریزی و «اصلاح الگوی مصرف در همه زمینه‌ها» حرکت کنیم تا با استفاده صحیح و مدبرانه از منابع کشور، مصداق برجسته‌ای از تبدیل احوال ملت به نیکوترین حال‌ها، ظهور و بروز یابد».

مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و دغدغه اصلاح الگوی مصرف:

گسترش اسراف، مدگرایی و تجمل پرستی در کشور، باعث شد تا بزرگان جامعه؛ به ویژه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به شدت احساس خطر کنند و به مسئولان و مردم از فرو افتادن در شیب این ناهنجاریها هشدار دهند.

در این باره مقام معظم رهبری چه در قالب پیام نوروزی و چه به صورت سخنرانی، نکات ارزشمندی را بیان فرمود که بایسته است در اینجا به بخشی از این سخنان اشاره کنیم:

در روایات اسلامی از انسان‌هایی که روح مصرف‌گرایی دارند، و همواره در پی پاسخ‌گویی به نیازهای کاذب و خواسته‌های نفسانی سیری

ناپذیری‌اند، به عنوان کسانی یاد شده است که از نگاه مهرآمیز خداوند بی‌بهره‌اند.

«ما مردم مسرفی هستیم. ما اسراف می‌کنیم؛ اسراف در آب، اسراف در نان، اسراف در وسائل گوناگون و تنقلات، اسراف در بنزین. کشوری که تولید کننده نفت است، وارد کننده فراورده‌های نفت بنزین است! این تعجب آور نیست؟! هر سال میلیاردها بدهیم بنزین وارد کنیم یا چیزهای دیگری وارد کنیم؛ برای اینکه بخشی از جمعیت و ملت ما دلشان می‌خواهد ریخت و پاش کنند! این درست است؟! ما ملت، به عنوان یک عیب ملی به این نگاه کنیم. اسراف بد است؛ حتی در انفاق در راه خدا. خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی مکن تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.» در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. این را ما باید به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم.

قرآن نیز در آیه ۶۷ سوره فرقان فرموده: «اینها نه اسراف و زیاده‌روی می‌کنند، و نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خود زندگی می‌کنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمی‌کند. به هر حال اینکه می‌بینید بعضی از فضولهای خارجی، دولتهای خارجی، دائم و دم به ساعت، چندسال است که ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم، و بارها هم تحریم کرده‌اند، به خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست.»

اسراف در جوامع انسانی عامل ترس جوامع دیگر بشری از جهات مختلف است. قرآن تحلیل می‌کند که مسرفان به سبب اسراف خویش عامل وحشت می‌شوند زیرا اسراف در مصرف می‌تواند موجبات قحطی و گرسنگی افراد دیگری از بشر را سبب شود چنان که عامل مهم در غارت غذایی و تصرفات آنان در محصولات جوامع دیگر است. خوی زشت

اسراف‌گری است که اعمال زشت مستکبران را توجیه می‌کند و آنان اسراف و تبذیرها و ریخت و پاش‌های خود را عملی هنجاری و پسندیده می‌شمارند. برپایی مهمانی‌های آن چنانی و ریخت و پاش‌ها و مصرف‌های بیرون از حد و اندازه برای آنان کلاس و اعتبار است و لذا به آن می‌بالند و می‌کوشند در جهان به عنوان کشورهای معرفی می‌شوند که بیشترین مصرف و اسراف را دارند.

اسراف و مصرف‌گرایی در سازمان‌ها، ادارات و دستگاه‌ها باید به عنوان نوعی از فساد اداری شناخته شود. اگر با این تحلیل به اسراف دقت کنیم اسراف موجب انحطاط است. سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد، باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود و به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق اعتماد مردم نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش یافته، بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی افزایش می‌یابد و هزینه کارها افزایش می‌یابد، تلاش‌های فقرزدایی را ناکام می‌سازد و بی‌انگیزگی و بدبینی ایجاد می‌کند. اسراف در دستگاه و ادارات مانع سرمایه‌گذاری می‌شود و مسیر رشد و توسعه اقتصادی را با موانع بسیار مواجه می‌سازد، رقابت‌پذیری را دشوار می‌سازد و زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد.

بانک جهانی و سازمان شفافیت بین‌الملل تعریفی واضح برای فساد اداری بیان کرده است: فساد اداری عبارتست از استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی اداری، تحت تأثیر منافع شخصی یا روابط و علایق خانوادگی. اگر اسراف در ادارات و اموال عمومی انجام شود با توجه به تعریف بیان شده از فساد اداری محسوب می‌شود و با در نظر گرفتن پیامدهایی که از اسراف اشاره می‌شود علیرغم نیت‌های خیر سیاست‌گذاران آنچه در عمل تحقق می‌یابد ممکن است تضاد با آن اهداف و سیاست‌ها باشد

و بدون نظام اداری سالم و صرفه‌جو دستیابی به توسعه در یک کشور جهان‌سومی نظیر ایران بسیار بعید به نظر می‌رسد.

نحوه مصرف در دستگاهها و سازمانهای دولتی

۱- مصرف آب

براساس آمار منتشره هزینه آب مصرفی نشان می‌دهد میزان هزینه سرانه آب مصرفی در برخی از زیرمجموعه‌های دولتی به کرات بیشتر از متوسط سرانه آب کل کشور است. و از آب تصفیه شده جهت شستشوی خودروها و فضاهای باز و اداری استفاده می‌کنند.

۲- مصرف انرژی

نگاهی به برخی از آمارهای مصرفی در کشور از قبیل انرژی میانگین مصرف انرژی در کشور ۶ برابر متوسط دنیا هستند.

همچنین در بخش برق کشور، میزان مصرف برق در سال ۸۷ در کل کشور بالغ بر ۱۶۲ میلیارد کیلووات ساعت بوده است که متوسط سرانه مصرف کشور در سال یاد شده ۲۲۵۸ کیلووات ساعت و قیمت هر کیلووات ساعت برای ساختمان‌های اداری کشور ۷۷۳ ریال بوده است.

در سال ۸۷ قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران با بیش از ۵۹ هزار نفر نیروی انسانی ۹۶ میلیون کیلووات ساعت برق با متوسط سرانه ۱۶۳۰ کیلووات ساعت برق مصرف کرده است.

۳- پایین بودن بهره‌وری نیروی انسانی

به عقیده کارشناسان مهم‌ترین دلیل عقب‌ماندگی کشورهای توسعه نیافته پایین بودن بهره‌وری به ویژه بهره‌وری نیروی انسانی است. امروزه مدیریت دولتی در ایران به لحاظ ساختاری، منابع انسانی و رویه‌های موجود با موانع جدی روبه‌رو است. ساعات کار مفید در ادارات و

سازمان‌های دولتی بسیار پائین است اگر مقایسه‌ای میان تعداد کارکنان دولت در بخش‌های عمومی، میزان بهره‌وری، نسبت هزینه‌های جاری به عمرانی و میزان بهره‌گیری از فرصت‌ها نسبت به منابع میان ایران و سایر کشورها صورت گیرد به راحتی می‌توان قضاوت کرد که بخش دولتی با الگوی مصرف مطابق با استانداردهای جهانی فاصله بسیار زیادی دارد.

بر طبق نظر کارشناسان عمر مفید یک وزارتخانه، تنها یک ماه در سال است به طوری در روزانه حداقل دو الی سه ساعت از وقت خود را وقت خوردن و قدم زدن و حرف زدن با دیگران سپری می‌کنند و کار امروز را به فردا واگذار می‌کنند.

۴- بوروکراسی:

کاغذبازی‌های اداری در دستگاه‌های عریض و طویل اداری که هر روز هم بر وسعت آن افزوده می‌شود، گودال عمیقی است که مردم هزینه و تاوان عظیم آنرا می‌پردازند.

کاغذبازی در دستگاه‌های دولتی ما مسئله جدیدی نیست و از قبل از انقلاب وجود داشته که متأسفانه حال این معزل مهلک به شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی نیز کشیده شده است.

۵- فساد اداری، زاییده عدم تخصص و تعهد در نظام دولتی

معضل فساد اداری یکی از مخرب‌ترین پدیده‌ها در میان دولت‌ها و جوامع مختلف است. این معضل بنیان و ریشه حکومت‌ها و سیستم اجتماعی را تخریب کرده و جامعه را به سمت اختلاس و فساد فراگیر سوق می‌دهد. در عرصه‌های حکومتی فساد اداری شامل مشکل سوء مدیریت، استخدام و انتصاب افراد براساس روابط شخصی، عدم رعایت ضوابط قانونی، دزدی از کار و سوء استفاده از امکانات دولتی و غیره نمونه‌های عینی فساد اداری محسوب می‌شوند.

۶- مکاتبه به جای مراجعه

بسیاری از کارها را می‌توان بدون ارتباط حضوری مراجعان و یا حداقل مراجعه آنان انجام داد. بسیاری از کارهای بین سازمانی را پیک‌های سازمان‌ها و شرکت‌ها انجام می‌دهند که در صورت فعالیت ادارات پست فعالیت‌های پستی از سازمان‌ها و مؤسسات به شبکه پستی کشور سپرده و بخشی بزرگی از بروکراسی اداری موجود برطرف می‌شود و در هزینه‌های که ادارات بابت این کار می‌پردازند تا حد زیادی صرفه‌جویی می‌شود و دست دلالتان و کارگزاران ناسالم نیز از ادارات کوتاه می‌شود و روابط و اشتغالات سالم در این اماکن حاکم می‌شود. اما بهره‌گیری ناقص از سیستم پستی موجب شده است سازمان‌های دولتی با مصرف هزینه‌های کلان، خود پستی باشند که این امر ضایعات پنهانی مختلفی در زمینه‌های ارتباطی با اشخاص حقیقی و حقوقی در پی دارد.

۷- روحیه و رویه اسراف‌کاری و هزینه تراشی در سازمان‌های دولتی و نیمه‌دولتی هر چند در ماهیت چنین سازمان‌هایی ریشه دارد و مدیران سازمان‌های دولتی در فقدان یا ضعف نظارتی و قضایی مؤثر، به تجمل‌گرایی و لوکس‌گرایی از محل بیت‌المال روی آوردند و کار به جایی کشید که سفرهای تفریحی مدیران و نورچشمی‌های دولتمردان به کیش و مالزی و اروپا و هزینه‌های سنگین از بیت‌المال برای زیباسازی دفاتر مدیران، خرید اقامت‌گاههای لوکس در مشهد، شمال، کیش و... به تدریج متعارف شد از بیت‌المال برای این امور هزینه می‌کردند.

۸- فن‌آوری اطلاعات

سهم ایران از بازار فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات از پتانسیلی که انتظار آن می‌رود کمتر است. در ایران هنوز دولت الکترونیکی محقق نشده است و اجبار دولت مبنی بر ارائه چهار یا پنج خدمت تا پایان سال به صورت

الکترونیکی توسط هر دستگاه با توجه به تعداد بالای خدمات دستگاهها و نهادهای دولتی کاری را از پیش نمی‌برد. دستگاهها درخصوص الکترونیکی کردن ارائه خدمات در سطحی بالا هزینه می‌کنند اما به دلیل نبود برنامه‌ریزی صحیح و اصولی و الزام اجرا، در تمامی طرح‌ها و پروژه‌ها کار به جایی نمی‌رسد.

۹- موضوع تلفن:

صبحث کردن با تلفن در سازمان‌های دولتی امری عادی است. تعدادی از کارکنان سازمان‌های دولتی به جای اینکه به کارهای مشتریان سریع‌تر رسیدگی کنند مدام با تلفن حرف می‌زنند.

۱۰- برگزاری جشن‌ها و مراسم مسرفانه و پرزرق و برق از محل بیت‌المال و برگزاری همایشها و گردهمایی‌ها

بیشتر همایش‌ها از بودجه پژوهشی آب می‌خورند و معمولاً بازده علمی ناچیزی دارد. سمینار دولتی یعنی جایی که تعدادی از افراد تعدادی مقاله و مطلب تکراری و نه چندان جدید را ارائه می‌دهند. موضوع مهم ابهت و طمطراق مراسم و پذیرایی‌ها و هدایا است. از کیف و کلاسور و ساعت گرفته تا فلش مموری و کارت هدیه بانکی. اگر سمینار، کشوری باشد هزینه بلیط رفت و برگشت هواپیما و هتل هم اضافه می‌شود. میزان ریخت و پاشی که در همایش‌های دولتی می‌شود و پول‌هایی که خرج می‌شود بیرون از تصور است. بعضی از این گردهمایی‌ها همه ساله و با موضوع تکراری برگزار می‌شوند.

۱۱- خودرو و ماشین‌آلات

استفاده از خودروها و ماشین‌آلات سازمان برای استفاده شخصی خود، تا جایی که حتی در تعطیلات از ماشین‌های دولتی استفاده می‌کنند.

۱۲- تعدادی از مدیران و رؤسا در سازمان‌های دولتی از خانه‌های سازمانی استفاده می‌کنند.

۱۳- استفاده از مأموریت‌های اداری

مدیران و کارمندان برای خود "سهمی" مأموریت در نظر می‌گیرند. مأموریت رفتن گاه برای رعایت عدالت! "نوبت‌بندی" می‌شود. مأموریت خارجی هم البته لوکس‌ترین مزایایی است که یک مدیر یا کارمند می‌تواند از آن برخوردار شود. همه این مأموریت‌ها با اهداف "کاری" توجیه می‌شوند.

۱۴- مصرف کاغذ

سازمان‌های دولتی سالانه چندین تن کاغذ را دور می‌ریزند. بسیاری از امور بدون نامه‌نگاری قابل انجامند. بسیاری از امور با تلفن قابل پیگیری‌اند و الزام قانونی و اداری برای مستندسازی و نامه‌نگاری ندارند. الزام ارباب رجوع و متقاضی به نوشتن نامه درخواست در اغلب موارد اضافی است. به هزار راه دیگر می‌شود یک درخواست را رسمی تلقی کرد. اما این اتفاق نمی‌افتد.

۱۵- نشریات داخلی

نشریات داخلی مصداق کامل حیف و میل اموال عمومی و دور ریختن بیت‌المال است. هفته‌نامه‌ها و خبرنامه‌های حاوی عکس و مصاحبه و افاضات مسؤولان نهادها با تیراژ زیاد، بی‌آنکه حتی خود کارمندان آن نهاد یا اداره اندک میلی به مطالعه آنها داشته باشند، طعنه و تمسخر همه شعارها درباره مصرف بهینه‌اند. اغلب آنها بی‌آنکه خوانده شود دور ریخته می‌شود یا به عنوان سفره صبحانه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در اینجا می‌توانیم پیامدهای اسراف در دستگاه اجرایی را در موارد زیر

خلاصه کنیم:

۱. ائتلاف منابع مالی از طریق خدشه وارد کردن بر سیاست‌های دولت در مقابله با منافع و اهداف اکثریت
۲. خنثی شدن تلاش‌های دولت در جهت کاهش فقر و تبعیض و مانع رشد رقابت
۳. زیان‌های اجتماعی و تضعیف نهادهای موجود، زیان‌های سیاسی و توزیع ناعادلانه منابع و زیان‌های اقتصادی
۴. کاهش اثربخشی و مشروعیت دولت‌ها و اغتشاش در ارزش‌های دموکراسی و اخلاقیات
۵. از موانع توسعه پایدار به علل افزایش هزینه معاملات و کاهش امکان پیش‌بینی‌های اقتصادی
۶. تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت

پی‌آمدهای روند مصرف‌گرایی در کشور

امروزه عوامل متعددی مانند رسانه‌های جمعی و تبلیغات فراگیر و توده‌ای سبب شده است، نیازهای کاذب در جامعه نمودار شود و افزایش یابد. در چنین شرایطی استفاده از مدهای لباس، اجناس لوکس و حتی افکار و عقاید مختلف به نحو فزاینده‌ای بروز می‌کنند. یکی از صاحب‌نظران می‌گوید که امروزه فرهنگ توده‌ای، عوام‌گونه، مصرف‌گرا، غیرخلاق و منفعل است. باید توجه کرد که ادامه‌ی این روند، عواقب خطرناکی را در پی خواهد داشت که وابستگی فرهنگی، اقتصادی و بحران هویت از جمله‌ی این پی‌آمدهای شوم است.

الف) وابستگی اقتصادی؛ پس از انقلاب صنعتی و نیاز روزافزون صنایع غرب به مواد اولیه، آنان بدون در نظر گرفتن حقوق دیگر انسان‌ها، تسلط بر سرزمین‌های دیگر را در برنامه‌ی خویش قرار دادند و با استفاده از

طرح‌های کارشناسی دقیق، کنترل منابع جهان سوم را در دست گرفتند. بدین ترتیب، سیل مواد اولیه از شرق به غرب سرازیر شد و در نتیجه، غرب به پیشرفتی بی‌نظیر دست یافت و جهان سوم در درّه‌ی فقر فرو رفت. سردمداران غرب، فرهنگ مولد و پویای جوامع را به فرهنگی نامتحرک و مصرفی تبدیل کرده‌اند. آنان می‌کوشند با تبلیغات فرهنگی، مصنوعات خود را جایگزین کالاهای محلی کنند و این‌گونه القاء می‌کنند که کالاهای خارجی به علت مرغوبیت و بادوام بودن، برای دیگر جوامع مقرون به صرفه است.

ب) وابستگی فرهنگی؛ سرمایه‌داران غرب پس از سال‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مانع توسعه‌طلبی آن‌ها در دیگر کشورها، قدرت فرهنگی این ملت‌هاست و تا زمانی که باورهای مذهبی جامعه‌ای پایدار باشد، چپاول آن کشورها مشکل خواهد بود. بنابراین تلاش کردند سلطه‌ی فرهنگی خود را پی بگیرند. اگر سلطه‌ی فرهنگی گریبان‌گیر جوانان کشور شود، احساس حقارت و پوچی و ناتوانی در روح آنان ایجاد می‌شود و آن‌ها به این باور دروغین می‌رسند که قدرت هیچ کار مهمی را ندارند یا تنها با استفاده از کالاها و مدهای غربی می‌توانند به تشخص و موفقیت برسند.

ج) بحران هویت؛ گراهام ای فولر، معاون پیشین شورای اطلاعاتی امنیت ملی در سازمان سیا می‌گوید: "اسلام و نهضت‌های اسلامی در زمان ما، منبع کلیدی کسب هویت را برای اقوامی فراهم می‌آورند که قصد دارند هم‌بستگی اجتماعی خود را در مقابله با تهاجم فرهنگی غرب تقویت کنند." براساس این برداشت، چندی پیش مؤسسه‌ی امور امنیت ملی یهودیان در واشنگتن، در کنفرانسی به صراحت اعلام کرد: "باید هویت دینی مسلمانان را از آنان بگیریم." فقر شخصیتی، مهم‌ترین آسیب اجتماعی امروز بخشی از جامعه‌ی ایران است که مظاهر آن در جامعه دیده می‌شود. الگوهای رسمی

تبلیغ‌شده در سال‌های گذشته، با نیازهای جوانان و ویژگی‌های جامعه‌ی مطلوب تضاد اساسی دارد.

آثار سوء اسراف

الف) زیان‌های فردی

اسراف‌کار، علاوه بر زیان‌های اقتصادی که بر جامعه و ملت تحمیل می‌کند، برای خود نیز زیان‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورد:

۱. خشم الهی: اسراف‌کار چون تعادل و توازن اقتصادی جامعه را برهم می‌زند، از رحمت‌خدا بدور و گرفتار خشم خدا می‌شود.

۲. محرومیت از هدایت: خدای متعال که همواره درهای رحمتش بر بندگان گشوده است خود را «غافر الذنب و قابل التوب» معرفی کرده است لکن نسبت به اسراف‌کاران در آیه ۲۸ سوره غافر می‌فرماید: «همانا خداوند کسی را که اسراف‌کار و دروغ‌گوست هدایت نمی‌کند».

۳. فقر: روشن‌ترین اثر اقتصادی اسراف، فقر است، زیرا که اسراف‌کار در اثر مصرف ناروای خود هم جامعه را به ورطه فقر می‌کشانند و هم خود دچار فقر می‌شود. لذا یکی از راههای مبارزه اسلام با فقر و محرومیت ایجاد هماهنگی اقتصادی و ریشه‌کن ساختن اسراف است. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «اقتصاد و میانه‌روی باعث توانگری و اسراف و ولخرجی مایه فقر و تنگدستی است». و نیز فرمود: «ولخرجی عامل فقر است».

۴. هلاکت: اسراف از هر نوعی که باشد انسان را به نابودی می‌کشد. قرآن مجید این حقیقت را چنین بیان می‌فرماید: «ما به وعده‌هایی که به انبیاء و اولیا دادیم وفا کردیم و سپس آنها را با هر که اراده کردیم نجات

دادیم، اما مسرفان و ستمگران را هلاک کردیم» و نیز حضرت علی(ع) می‌فرماید: «اسرافکاری زیاد انسان را به هلاکت می‌کشاند».

۵. کیفر اخروی: کیفر کسانی که از حدود الهی تجاوز کرده و اوامر و نواهی خدا را نادیده گرفته باشند، تنها فقر و تنگدستی در دنیا نیست بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنان است. قرآن مجید در این باره در سوره طه آیه ۱۲۸ می‌فرماید: «این چنین جزا می‌دهیم کسی را که اسراف کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد، عذاب آخرت شدیدتر و پایدارتر است». به این ترتیب معلوم است که وضع افرادی که در مسیر باطل و هرزگیها دچار اسراف می‌شوند چه خواهد بود!

ب) زیانهای اجتماعی اسراف

البته از نظر اسلام، هر کس مالک حاصل کار و دسترنج خود - با رعایت حدود شرعی - می‌باشد ولی انسان نمی‌تواند به بهانه این که مالک مالی است هر طور که بخواهد آن را صرف و خرج کند بلکه دو شرط اساسی دارد: یکی بهره‌گیری برای خود و دیگری بهره‌دادن به دیگران و تعطیل اینها دو صورت می‌تواند داشته باشد:

۱. ثروت‌اندوزی و تکاثر که نه خود از آن بهره‌مند شود و نه دیگران.

۲. صرف مال در راه هوا و هوس و اسرافکاری، که هر دو ممنوع و دارای پیامدهایی به شرح زیر می‌باشند:

(۱) حق‌ناشناسی، وجدان هر انسانی این مطلب را پذیراست که در برابر هر احسانی باید تشکر کرد و اخلاق اجتماعی نیز حکم می‌کند که در مقابل هر نیکی باید حق‌شناس و سپاسگزار باشیم، از احسان و نیکی پدر و مادر، استاد و معلم تا خالق مهربان.

(۲) تزلزل و سستی، انسان‌های معتدل در فراز و نشیبهای زندگی هرگز نمی‌لغزند ولی افراد اسرافکار که ولخرجی و مصرف‌زدگی تمام ابعاد

زندگیشان را فراگرفته چون روحیه مقاومت ندارند، شکست خورده و متزلزل خواهند بود.

۳) کاهش تولید، جامعه مصرفی رفته‌رفته قدرت تولید را از دست می‌دهد و برای تامین مایحتاج خود به بیگانه روی می‌آورد. این مطلبی است که در دوران حکومت طاغوت برای همه ثابت شده و نیاز به توضیح ندارد.

۴) سقوط اخلاقی، ولخرجی و ریخت‌وپاشهای نابجا و بی‌مورد، انسان را از مسیر صحیح بیرون آورده و به ورطه هولناک فساد و تباهی می‌کشاند، انسان اسرافکار گاهی به مرحله‌ای می‌رسد که به هر پستی تن می‌دهد، رشوه می‌گیرد، دروغ می‌گوید، ربا می‌خورد، به عناوین مختلف، عفت و شخصیت خود را از دست داده و سرانجام کارش به رسوایی می‌کشد.

کیفر کسانی که از حدود الهی تجاوز کرده و اوامر و نواهی خدا را نادیده گرفته باشند، تنها فقر و تنگدستی در دنیا نیست بلکه عذاب اخروی نیز در انتظار آنان است.

۵) ضعف ایمان، اسرافکاری آدمی را از راه اعتدال خارج می‌کند و به سستی ایمان و ضعف عقیده می‌کشاند.

۶) اختلاف طبقاتی، یکی از علل اساسی اختلاف طبقاتی به طور قطع همین اسرافکاریها است. و همچنین وابستگی به بیگانگان و تضییع حقوق دیگران و غفلت از خدا و حریم‌شکنی را از دیگر پیامدهای اسراف باید شمرد. علاوه بر اینها دغدغه خاطر و گرفتاری‌های روحی و بیماری‌های جسمی و روانی از نتایج مسلم ولخرجی‌ها و بی‌بندوباری‌ها است.

۳-۲ - ضرورت استانداردسازی و اصلاح الگوی مصرف در دستگاه

اجرایی

مصرف‌گرایی عامل تخریب رشد، توسعه و از بین رفتن منابع مالی است. آنچه در اصلاح الگوی مصرف و دستیابی به فرهنگ بهینه مصرف در کشور دارای اهمیت می‌باشد این است که الگوی مصرف نیازمند تبیین استراتژی و تعیین خط‌مشی است که طی آن این اصل به یک شعار تغییر ماهیت ندهد. در واقع لازمه دستیابی به این مهم در کشور خیزش و حرکتی عمیق از سوی مسئولان و همه آحاد جامعه می‌باشد. داشتن مدیریت مدبرانه و عاقلانه مصرف که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز می‌باشد یکی دیگر از ضروریات اولیه این امر به حساب می‌آید و متولیان امر با پرهیز از شعارزدگی نباید به برگزاری چند همایش، سخنرانی و چاپ مقاله و کارهایی از این اکتفا کنند لذا وجود مدیریت صحیح و عاقلانه در سطح کلان در جهت هدایت و تدوین و انتخاب یک استراتژی راهبری طبق نقشه راهی که مقام معظم رهبری ترسیم نمودند زمینه تحقق این طرح ملی و آینده‌ساز که حقیقتاً پیشرفت کشور و توسعه عدالت در گرو آن است از ضروریات اجتناب‌ناپذیر است.

الزام مصرف بهینه سبب می‌شود تا علاوه بر پیشرفت علمی، ارتقای فناوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات بهینه مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب، منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌های که کمتر مورد توجه بوده نیز فراهم می‌شود. اعضای جامعه باید بتوانند با مصرف صحیح در حفظ و استفاده بهینه از منابع و ثروت‌های ملی به توسعه اقتصادی کشور کمک کنند و استقلال ملی را تضمین کنند. با نگاهی گذرا به نقش عوامل اثرگذار در اصلاح الگوی مصرف، می‌توان دریافت بهینه‌سازی یا استانداردسازی در اجرای صحیح این شعار مؤثر

باشد. اصلاح الگوی مصرف نیازمند فرهنگ‌سازی پایدار است و این خود نیازمند راهکارهایی است تا همه افراد جامعه الزام رفتارهای اصلاح الگوی مصرف را احساس کنند و به تدریج این اصلاح نهادینه شده و به یک رفتار پایدار و در نهایت به یک فرهنگ در تمامی عرصه‌های مصرف تبدیل شود، از این رو باید راهکارهای صحیحی در راستای آموزش و ارائه استانداردها در سطح کشور اجرا شود.

رسیدن به سطوح بالاتر رشد و توسعه نیاز به یک عزم ملی دارد چرا که هم مدیران و مسئولان در این امر نقش مهمی دارند و هم تولیدکنندگان و صنعت‌گران و هم تمامی آحاد جامعه، لذا باید با استفاده از الگوی صحیح و مصرف و روشهای بهینه‌سازی و ارتقای بهره‌وری و صرفه‌جویی در منابع خدادادی گامی بزرگ در راستای تحقق این مهم برداشت. لازمه استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته صنعتی در چرخه تولید، بهره‌گیری از نیروهای متخصص و استفاده از رهنمودهای رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، به تولید کالاهای استاندارد (که منجر به جلوگیری از اسراف می‌شود) کمک می‌کند و زمینه را برای تبدیل شدن کشور به یک قطب اقتصادی و سیاسی در دنیا فراهم می‌آورد.

اصلاح ساختار الگوی مصرف در شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های

اجرایی

کاهش مصرف و بهبود الگوی مصرف را تنها نباید از بخش خصوصی و خانواده‌ها انتظار داشت زیرا با توجه به درآمد سرانه پایین سه تا چهار هزار دلاری فعلی ایرانیان که در سال‌های گذشته رشد کرده و تحت تاثیر افزایش قیمت نفت و واردات بیشتر باعث رشد مصرف و واردات نیز شده است با توجه به نیازهای موجود زندگی تاثیر کمتری نسبت به صرفه‌جویی‌های

دستگاه‌های دولتی دارد زیرا درآمد نفت به محض افزایش خود را در بودجه دولت نمایان و وقتی حجم بودجه رشد می‌کند هزینه‌های جاری نیز رشد می‌کند. در سال ۸۷ بودجه جاری دولت نسبت به بودجه جاری سال ۸۶ رشد ۶۰ درصدی داشته و از ۲۸ هزار میلیارد تومان به ۶۲ هزار میلیارد تومان رسید و همین امر نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از مصرف کشور از طریق دولت انجام می‌شود. بخشی از این افزایش هزینه‌های جاری برای تامین هزینه‌های بازنشستگان، مستمری‌بگیران و کارمندان دولت لازم بوده است. اما بخش قابل توجهی از آن قابل کنترل است و از طریق جلوگیری از ریخت و پاش‌ها می‌توان ساختار الگوی مصرف را اصلاح کرد. بخشی از این اصلاحات ساختاری در مصرف در سال‌های قبل با کاهش سفرهای خارجی و هزینه‌های تلفن همراه، کاهش همایش‌ها و سمینارها و جلسات، کاهش جلسات غیرضروری و هزینه بر مورد توجه بوده است. در طرح‌های عمرانی و ساختمان‌های اداری و دکوراسیون‌های داخلی نیز این اقدام می‌تواند تاثیر زیادی در کاهش هزینه‌ها داشته باشد. واقعیت آن است اگر درآمد نفت ثابت بماند امکان رشد هزینه‌های جاری و کل بودجه دولت سالی ۲۰ تا ۳۰ درصد وجود ندارد و دولت باید از طریق کنترل تورم زمینه ثبات و پایداری قدرت خرید کارمندان و بازنشستگان را فراهم کند تا حقوق آنها کفاف هزینه‌های زندگی را دهد. در بخش دولتی با توجه به گردش مالی ۲۸۰ هزار میلیارد تومانی بودجه عمومی دولت و شرکت‌های دولتی که حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی است کنترل مصرف می‌تواند تاثیر بسیار زیادی داشته باشد.

۳-۳- مراحل و راهکارهای نهادینه کردن استانداردها و الگوی مصرف

اصلاح شده در دستگاه اجرایی

اصلاح الگوی مصرف به مفهوم کمتر مصرف کردن نیست بلکه به معنی منطقی و خردمندانه مصرف کردن و اجتناب از اسراف و هزینه‌های زائد و غیرضروری است که در نظام اقتصادی کشور، چه در سطح خانوارها و چه در سطح نظام اداری و فعالیتهای اقتصادی به وفور دیده می‌شود.

از آنجا که اقتصاد ما یک اقتصاد دولتی می‌باشد هزینه‌های یارانه‌ای دولت برای کالاهای مصرفی و انرژی، بسیار بالاست (حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در سال) و این امر لطمات شدیدی را به اقتصاد ما وارد می‌سازد زیرا درآمدهای نفتی و صادراتی را که باید صرف امور زیربنایی و عمرانی گردد به خود اختصاص می‌دهد و حذف آن علاوه بر افزایش فاصله‌های طبقاتی فشار شدیدی را بر اقشار محروم جامعه وارد می‌سازد لذا باید با «مدیریت صحیح و مدبرانه مصرف» در سطوح فردی، سازمانی و ملی از هزینه‌های مازاد و بی‌رویه کاست و آنها را صرف امور تولید و بسترسازی برای توسعه کشور در زمینه‌های مختلف نمود تا به تدریج فاصله میان تولید و مصرف (صادرات و واردات) به میزان معقولی برسد بدین منظور در راستای مدیریت صحیح مدبرانه مصرف سطح سازمانی راهکارهایی ارائه می‌گردد.

- پرهیز از برگزاری سمینارها، همایش‌ها و جلسات کوچک و بزرگ غیرضروری و ناکارآمد
- پرهیز از ریخت و پاش‌های بی‌رویه و تشریفاتی و پذیرایی‌های اشرافی حتی در همایش‌ها و جلسات ضروری
- پرهیز از سفرهای داخلی و خارجی غیرضروری با هزینه‌های دولتی و سازمانی

- پرهیز از بکاربردن وسایل قیمتی و تزئینی و اثاثیه و مبلمان اشرافی در اتاق کار مدیران یا کارکنان
- تکریم ارباب رجوع و رسیدگی به مشکل او در کوتاه‌ترین زمان ممکن (صرفه‌جویی در وقت، انرژی و امکانات)
- ایجاد سیستم‌های اتوماسیون اداری در سازمان‌ها و ادارات به منظور جلوگیری از مصرف بی‌رویه تجهیزات و ملزومات اداری
- استفاده از نیروی انسانی ماهر و کارآمد (بویژه در امور تخصص و مدیریت‌ها) به منظور پرهیز از آزمون و خطا و دوباره‌کاری و صرفه‌جویی در وقت و هزینه (بهره‌وری بیشتر)
- برنامه‌ریزی دقیق و بودجه‌بندی منصفانه و پرهیز از پروژه‌ها و برنامه‌های پرهزینه و کم‌بازده
- دقت و وسواس در تصمیم‌گیری‌های کلان سازمانی که مستلزم صرف هزینه‌های سنگین می‌باشد.
- حذف تشریفات مازاد اداری و هزینه‌های جاری غیرضروری مثل اختصاص خودرو و راننده برای هر یک از مدیران، خرید انواع روزنامه و مجلات برای هر یک از دفاتر بصورت جداگانه و...
- عدم حضور کارکنانی که نیاز به ماندن آنها نیست (در ساعات غیراداری) به جهت گرفتن اضافه کار و ... که منجر به اتلاف وقت آنان و هزینه برای سازمان است.
- ادغام واحدها یا بخش‌های موازی در چارت تشکیلاتی سازمان‌ها و ادارات دولتی که علاوه بر چابک‌سازی و کارآمدی بیشتر آنها از دوباره‌کاری و صرف هزینه‌های فراوان نیروی انسانی و تجهیزات مازاد جلوگیری می‌کند.

عناوین پیشنهادی جهت صرفه جویی و ارتقاء بهره‌وری

۱. ارتقاء فرهنگ بهره‌وری و صرفه‌جویی در دستگاه‌ها و جامعه
۲. بهره‌گیری از تکنولوژی IT جهت ارائه خدمات در دستگاه‌های دولتی
۳. واگذاری وظایف و فعالیت‌های تصدی‌گری به بخش غیردولتی (ماده ۱۳۶) و ماده ۸۸ قانون تنظیم
۴. تشکیل کمیته‌های صرفه‌جویی در دستگاه‌ها جهت شناسایی مصادیق صرفه‌جویی
۵. بازنگری و مهندسی مجدد در ساختار تشکیلاتی سازمان‌ها
۶. برگزاری جلسات آموزشی و توجیهی برای اعضاء کمیته بهره‌وری در دستگاه‌ها
۷. شناسایی و ساماندهی نیروهای مازاد و انتقال به دستگاه‌های موردنیاز
۸. حذف تشریفات زاید در سازمان‌های دولتی
۹. استانداردسازی لوازم و تجهیزات اداری
۱۰. عدم استفاده شخصی از امکانات و منابع سازمان‌ها و بیت‌المال
۱۱. حذف جلسات، سمینارها و همایش‌ها و دوره‌های آموزشی غیرضروری، کم‌اثر و بی‌نتیجه
۱۲. حذف رونوشت غیرضروری در مکاتبات اداری و تهیه گزارشات اداری توسط کاغذهای معمولی
۱۳. مراقبت در مورد ماموریت‌های نشسته و غیرواقع و بیش از حد متعارف
۱۴. استفاده از ناوگان عمومی در انجام ماموریت‌های اداری
۱۵. بهره‌گیری از آبیاری قطره‌ای در فضاهای سبز شهری و محوطه‌های اداری

۱۶. جداسازی و جمع‌آوری کاغذ از زباله جهت ایجاد امکان بازیافت کاغذهای باطله
۱۷. خاموش نمودن بخاری‌ها، شوفاژ، روشنایی‌ها در خارج از وقت اداری و کنترل خاموش بودن سیستم‌های در زمان عدم استفاده از آنها
۱۸. اعمال محدودیت زمانی مکالمه در دستگاه‌های سانترال به منظور جلوگیری از اطاله بیهوده مکالمات
۱۹. تهیه وایت‌برد جهت کاهش مصرف کاغذ و لوازم التحریر
۲۰. جایگزینی لامپ‌های کم‌مصرف به جای لامپ‌های پرمصرف و خاموش کردن کلیه لامپ‌ها هنگام ترک محل کار و خاموش نمودن لامپ‌های اضافی و غیرضروری در ساعات اداری
۲۱. جلوگیری از خرید اموال و تجهیزات بی‌دوام، تشریفاتی و لوکس و خرید اموال بادوام و ترجیحاً ایرانی
۲۲. نظارت بر استفاده خودروها در خارج از وقت اداری و تعطیلات
- طراحی ساز و کار یکی از پیش‌نیازهای اصلی در مسیر اصلاح الگوی مصرف، ترسیم اهداف، ابعاد و راهکارهای رسیدن به موضوع و تعیین شاخص‌هایی برای سنجش و ارزیابی روند و چگونگی پیشرفت‌هایی در جامعه و دستگاه‌هاست. باید برای جلوگیری از مصرف‌گرایی و اتلاف منابع و فرصت‌ها و هزینه‌ها در تمامی حوزه‌ها، سند و نقشه راهبردی تهیه و ابلاغ شود یعنی با تهیه این سند مدیران، مسئولان و فرماندهان سازمان‌های مختلف می‌توانند با اجراء و به‌کارگیری روش‌ها و شیوه‌های مدرن خود را در مسیر تحقق این اصل مهم قرار دهند. گنجانیدن برنامه اصلاح الگوی مصرف در برنامه توسعه کشور و مصوبه‌های دولت یعنی حرکت همه دستگاه‌های دولتی به طور مستمر و پایدار در جهت تحقق منویات مقام معظم رهبری.

در کشور ژاپن تمامی سازمان‌ها، ارگان‌ها و شرکت‌ها اعم از دولتی و خصوصی جهت داشتن الگوی صحیحی از مصرف از تدابیر و روش‌های علمی و عملی برنامه‌ریزی شده بصورت مدون و مستمر بهره می‌برند. یکی از این روش‌ها نظام اداری 5S (فایو اس) یا مدیریت کایزن (پیشرفت دائمی) می‌باشد. البته این روش در بسیاری از کشورها مرسوم می‌باشد و سرچشمه آن کشور ژاپن است. هدف نهایی نظام اداری 5S پیشگیری از هرگونه اتلاف است. 5S یعنی دور ریختن اشیایی که به آنها احتیاج نداریم و خلاصه این عبارات می‌باشد.

Seiri سازماندهی - Seition نظم و ترتیب - Shitsuke انضباط - Seiso پاکیزه‌سازی و Seiketus استانداردسازی است این نظام در ژاپن به صورت نهادینه مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایج بسیار خوبی را برای واحدهای صنعتی و خدماتی به ارمغان آورده است. نتایجی که معمولاً با استفاده از این روش حاصل می‌شود را می‌توان به اختصار: به پیشگیری از حوادث، کاهش وقفه کاری، کنترل عملیات تولید و افزایش بهره‌وری در محیط کار عنوان کرد. و از مزایای این طرح در سازمان‌ها می‌توان به بسترسازی برای اجرای موفق سیستم‌ها، ایجاد یک نظم فراگیر، افزایش تعلق سازمانی، ارتقاء فرهنگ سازمانی، بهبود کیفیت و بهره‌وری جلب مشارکت و رشد خلاقیت کارکنان اشاره کرد. تعیین کارشناسان و رابطان استاندارد در بیش از ۳۵ دستگاه اجرایی و دولتی می‌تواند بر رعایت صحیح و آموزش این مهم، نظارت بیشتری داشته باشد که این کارشناسان باید در نظر گرفتن اهداف ۱- ایجاد زمینه اجرایی برای تحقق اهداف اقتصادی، ۲- برنامه‌ریزی، هدایت، نظارت و ارزیابی فعالیت‌ها، ۳- نشر و توسعه فرهنگ الگوی مصرف، ۴- بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها، امکانات و

توانمندی‌ها، ۵- بازنگری، احصاء، قانون‌مند کردن و استانداردسازی روش‌ها، ۶- توسعه بهره‌وری با استفاده از تکنولوژی و فناوری مبارزه با اسراف با شعار دادن تحقق نمی‌یابد، باید از بخش‌ها و نقاط حساس شروع شود و هدف خشکاندن ریشه باشد و نه قطع کردن شاخ و برگ‌ها، چه در این صورت مقصود از ریشه کلیه عواملی است که سبب فراهم شدن شاخ و برگ‌های جدیدی می‌شود.

۳-۴- برنامه‌های دستگاه اجرایی جهت مدیریت هزینه الگوی مصرف

مصرف در بخش خانگی $\frac{1}{3}$ بخش دولتی است لذا برای کنترل و پیشگیری از اسراف بی‌رویه منابع در قدم اول باید ادارات و سازمان‌های دولتی با پذیرش نقص‌های خود در این زمینه با رعایت اصول و قواعد اصلاح الگوی مصرف به الگویی برای دیگر اقشار جامعه تبدیل شود. مدیران و مسئولان باید برای زمان متعلق به کار خود هزینه فرصت را مشخص کنند و ساعات مفید کاری در ادارات و سازمان‌های دولتی را اتقاء دهند و از هدر رفت زمان و انرژی بکاهند.

در سطح دستگاه‌های دولتی چهار دستورالعمل برای اجرای طرح «اصلاح الگوی مصرف» در نظر گرفته شده است:

✓ دستورالعمل اول: فعال کردن کارگروه تخصصی تحول اداری، بهره‌وری و فناوری اطلاعات در استان‌ها

✓ دستورالعمل دوم: استقرار نظام مدیریت بهره‌وری در استان‌ها

✓ دستورالعمل سوم: احصاء و مستندسازی تمام فرآیندها

✓ دستورالعمل چهارم: بکارگیری کلیه منابع شامل نیروی انسانی، انرژی،

صرفه‌جویی در هزینه‌های مصرفی، استفاده درست از امکانات

سرمایه‌ای، توسعه دولت الکترونیک و توجه ویژه به تحقیقات و پژوهش

سیستم مدیریت هزینه نوعی سیستم برنامه‌ریزی و کنترل است که براساس اطلاعات جامع طرح‌ریزی می‌گردد و این اهداف را پی می‌گیرد:

۱. برآورد و تعیین هزینه منابعی که در راه انجام فعالیت‌های اصلی و با

اهمیت سازمان مورد استفاده قرار می‌گیرد

۲. تعیین کارایی و اثربخشی فعالیت‌های اصلی انجام شده در واحدها و

بهره‌وری

۳. تشخیص و ارزیابی فعالیت‌های جدید که می‌تواند عملکرد آینده

سازمان را بهبود بخشد.

در این راستا هدف‌های سازمانی مدیران بسیار متنوع است. برخی از هدف‌ها به طور مکرر مورد تأکید قرار می‌گیرند و باید مدیران به آنها توجه خاصی مبذول دارند مانند افزایش کارایی و اثربخشی و هر مدیری می‌بایست بر چهار وظیفه خود تمرکز داشته باشد ۱- تصمیم‌گیری، ۲- برنامه‌ریزی، ۳- رهبری فعالیت‌های عملیاتی، ۴- کنترل و پیگیری کارهای انجام شده و برای تحقق هر یک از این وظایف مدیران نیازمند اطلاعات هستند.

مدیریت هزینه بر این نگرش استوار است که هزینه‌ها به خودی خود ایجاد نمی‌شوند بلکه تمام هزینه‌ها نتیجه تصمیم‌گیری‌های مدیریت است که عمدتاً معطوف به چگونگی استفاده از منابع محدود سازمان است.

مدیریت هزینه باید بیش از اینکه کانون توجه خود را معطوف آمار و ارقام کند به اولویت‌بندی فعالیت‌ها و کاری که سازمان در برابر نیازهای عملیاتی و استراتژیک خود باید انجام دهد، بپردازد.

مدیریت هزینه‌ای برای سازمان موثر و کارآمد است که به طور همزمان بهینه‌سازی عملکرد و کاهش هزینه در تمام سطوح سازمانی (از بالاترین

رده سازمانی تا پایین‌ترین آن) را در نظر گیرد. در اینجا به اصولی اشاره می‌کنیم که مدیران را به مدیریت هزینه موثر سوق می‌دهند.

۱. شفافیت و سازگار کردن اهداف عملکردی

نخست باید تمام اعضای سازمان به اهمیت عملکرد مورد انتظار پی برده و آن را قبول کنند زیرا مقبولیت اهداف عملکردی راه رسیدن به آنها را تسهیل می‌کند. در مرحله بعدی باید اهداف عملکردی هم‌سطح شوند.

۲. ارتقای دانش و ابزار کار

دانش و ابزار کار عواملی هستند که باعث می‌شود کارکنان با میل و رغبت بیشتر به کار اشتغال ورزند و تمایل برای انجام آن را به بهترین نحو داشته باشند. سطح دانش مناسب، شایستگی و صلاحیت، اجزای ضروری توانایی انجام کار محسوب می‌شوند. امروزه تفکراتی نظیر مدیریت کیفیت جامع بر «انجام صحیح کارها در مرتبه اول و برای همیشه» تأکید می‌کنند.

۳. برتری (مزیت)

اگر چه ممکن است موشکافی و بررسی برای رسیدن به عملکرد برتر هزینه‌های جاری زیادی به دنبال داشته باشد ولی این امر قابل پذیرش است زیرا فرآیندهای کنترل شده و توانا چون براساس دانش محوری و قابلیت پاسخگویی استوارند، کمتر احتمال دارد عملکرد نامناسبی داشته باشند.

۴. کاهش پیچیدگی‌ها و حذف فعالیت‌های غیرضروری

امروزه اکثر سازمان‌ها باید بخش عمده‌ای از فعالیت‌ها و گزارش‌های زائد و غیرقابل استفاده و یا به عبارتی فعالیت‌ها و گزارش‌های کم‌ارزش را حذف کنند. در مرحله بعد سازمان‌ها باید بر فعالیت‌های

باقیمانده متمرکز شوند و آنها را معیارهای دقیق و صحیح مورد ارزیابی قرار دهند که چگونه این فعالیتها می‌تواند باعث افزایش سودآوری شوند.

۵. توجه به دانش محوری

استخدام کارکنان ماهر (با دانش و تجربه کافی) یک تصمیم مهم و ضروری برای سازمان‌های امروزی است. توجه به دانش در رویه‌های استخدام، ارزیابی، ارتقاء، انتصابات و پرداخت‌ها، اعطای تسهیلات و پاداش مصداق‌هایی برای دانش محوری سازمان است. دانش محوری فرآیند یادگیری سازمان را تسهیل و حرکت به سوی «یک سازمان یادگیرنده» را هموار می‌کند.

۶. هزینه‌های سازمانی

تمامی هزینه‌های سازمانی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف) هزینه‌های ساختاری

ب) هزینه‌های عملکردی

هزینه‌های ساختاری عبارتند از «هزینه‌هایی که با گذشت زمان و به خاطر تصمیمات مدیریت در گذشته و حال در سیستم موجود می‌آیند». این هزینه‌ها بیان‌کننده گسترده و وسیعی از هزینه‌های مربوط به یک سازمان هستند مانند هزینه‌های:

- سیستم‌های لجستیکی و طراحی نیازهای اساسی سازمان
- سیستم‌های عملکردی و انگیزشی
- سیستم‌های ارزشیابی و توسعه نیروی انسانی
- سیستم‌های کنترل تعمیرات و توسعه

تمامی این تصمیم‌گیری‌ها مربوط به قلمرو گروه‌های مدیریت گذشته و حال هستند بنابراین مدیران امروز باید به منظور کاهش هزینه‌ها تصمیمات کاملاً متفاوتی در مورد ساختار سازمانی بگیرند.

برای تحقق اصلاح الگوی مصرف و شناخت بستر و راه و روش‌های آن، نیازمند شناسایی عوامل و زمینه‌های وضع موجود هستیم که به برخی از آن‌ها اشاره شد. در پایان این مقاله و به منظور ارائه‌ی رهیافت‌های مفید برای دستیابی به مدل ایده‌آل برای نیل به جامعه‌ای که در آن الگوهای مصرف به شکل عالمانه و صحیح، اصلاح شده است، چند راه‌کار پیشنهاد می‌گردد. بررسی این راه‌کارها و هرگونه پیشنهاد اصلاحی درباره‌ی آن‌ها نیز نیازمند تلاش صاحبان خرد و اندیشمندان جامعه است.

۱. فرهنگ‌سازی؛ فرهنگ‌سازی پایدار، بستر اصلی نهضت اصلاح الگوی مصرف می‌باشد. یکی دیگر از ابعاد فرهنگ‌سازی که به نوعی مهم‌ترین بخش آن است و می‌بایست به‌عنوان پیش‌نیاز هر کاری همچون اصلاح مصرف انجام شود، توجه به مسأله‌ی تغییر نگرش‌هاست.

۲. تغییر نظام مصرف؛ نظام مصرف هر جامعه باید متناسب با فرهنگ بومی و محلی باشد و همانند گرانیگاه تعادل میان منابع تولید و نیازهای جامعه را ایفای نقش بکند.

۳. ایجاد ساختارهای جدید و مبتنی بر نظام الگوی مصرف با هدف صرفه‌جویی؛ تغییر و اصلاح الگوی مصرف بدون تحول در مراحل تولید و بسترهای اقتصاد کلان، اصولاً امکان‌پذیر نخواهد بود. بسیاری از کارخانه‌ها و صنایع تولیدی ما یا دچار فرسودگی و فقر فن‌آوری شده یا محصولات و کیفیت آن‌ها متناسب با نیاز جامعه و دانش‌آمروزی در حوزه‌ی صنعت نیست. لذا باید ضمن توجه به مقوله‌ی

- استاندارد (نظام ایزو) در فرآیند تولید، می‌توان از فن‌آوری‌های جایگزین و نسل جدید خطوط تولید استفاده کرد.
۴. جهت‌گیری صحیح نظام اجرایی و سیاست‌گذاری؛ رسیدن به نظام الگوی مصرف کارآمد، بدون قوانین و نظام حقوقی شفاف و نشاط‌آفرین ممکن نیست. دستورالعمل‌ها و مقررات باید در دو حوزه‌ی سیاست‌گذاری کلان و نیز قوانین و مقررات عینی برای تهیه‌ی نظام الگوی مصرف کشور تدوین و تصویب گردد.
۵. نقش خانواده در اصلاح الگوی مصرف؛ خانواده مدرسه اصلی آموزشی و پرورشی رفتار مصرفی است به لحاظ تجربی و با آزمون‌های علمی اثر خانواده بر رفتار مصرفی اشخاص کاملاً محرز شده است.
۶. نقش جوان مسلمان در اصلاح الگوی مصرف؛ بدون تردید، جوانان از مهم‌ترین سرمایه‌های بشری در هر جامعه‌ای هستند و آثار مادی و معنوی فراوانی برجای گذاشته‌اند. امروز برخی تلاش می‌کنند تا ذهن جوانان را به امور واهی و پوچ مشغول سازند تا به فکر سازندگی و آبادانی کشور خود نباشند. در همین راستاست که قشر عظیمی از کشور یعنی جوانان می‌توانند با بکارگیری راهبردهای ارائه‌شده در بالا کشور را در دستیابی و عمل به این نظام یاری کنند.
۷. نقش رسانه ملی در ترویج نگاه عیب‌جویانه به اسراف؛ صدا و سیما به‌عنوان دانشگاه عمومی می‌تواند با تهیه‌ی برنامه‌های جذاب و قابل استفاده، اقشار مختلف مردم را کماکان به صرفه‌جویی ترغیب و با دیدی تازه از زوایای مختلف مسایلی که هنوز مطرح نشده را تشریح نماید. مثلاً به تدریج برنامه‌هایی را تهیه و پخش نماید که فقط شامل صرفه‌جویی در آب، برق، گاز و بنزین نباشد، بلکه اموری مانند توجه

جدی به بیکاری و نیازمندان جامعه، گسترش امکانات رفاهی عمومی و نحوه سرمایه‌گذاری عمومی جامعه در آن‌ها لحاظ گردد.

۳-۵- مکانیسم ارتقاء بهره‌وری کارکنان و استفاده بهینه از زمان

به منظور تشکیل و توسعه سرمایه انسانی در راستای رشد و ارتقاء سازمان و به تبع آن توسعه اقتصادی و اجتماعی ضروری است از یکسو نیازسنجی در صنعت براساس اصول علمی و دقیق و شفاف صورت پذیرد و از سوی دیگر با تشکیل بانک اطلاعاتی توانمندیها و تخصص و مهارت‌های علمی و تجربی نیروهای انسانی شناسایی گردد تا با اعمال تخصیص نیروی انسانی براساس تخصص آنها و مرتبط با نیازهای صنعت بتوان تفکر بنگاهداری اقتصادی را در صنعت عملیاتی نمود. نکته حائز اهمیت در این مقوله اینست که ایجاد و گسترش سرمایه انسانی با در نظرگرفتن دو شاخص مذکور: (۱) نیازسنجی صنعت و (۲) تشخیص توانمندی‌ها و مهارت‌ها چگونه باید صورت پذیرد.

وجود منابع انسانی با مهارت‌ها و توانمندی‌ها مختلف از یکسو و نیاز شدید صنعت به استفاده از این توانایی‌ها از سوی دیگر و بروز نیازهای جدید در صنعت توسعه R&D را بیش از پیش ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. در این میان هر چند در اکثر شرکت‌ها واحدهای پژوهشی راه‌اندازی شده است، لیکن تمرکززدایی از فعالیت‌های پژوهشی و ایجاد بستر لازم برای ایده‌پردازی و بکارگیری دیدگاه‌ها و ایده‌های علمی و عملی افراد حائز اهمیت است در این میان تشکیل هسته‌های علمی به منظور بهره‌مندی گسترده از توان علمی و تجربی نیروهای انسانی در سازمان و ایجاد ساز و کار مناسب جهت بکارگیری و اجرایی نمودن این روش‌ها و ایده‌های مطرح می‌توان گام مفید و مؤثری در راستای ایجاد و توسعه

سرمایه انسانی باشد چرا که براساس تفکر بنگاهداری اقتصادی، ایجاد و توسعه سرمایه انسانی از مهم‌ترین الزامات تحقق اهداف سازمان می‌باشد. بدیهی است با گسترش هسته‌های علمی و سازماندهی آنها، اعمال سیاست‌های تشویقی جهت ایجاد انگیزش کارکنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد که می‌تواند به صورت‌های مختلفی متناسب با شرایط کارکنان اعمال گردد.

بنابر مطالب ارائه شده مدیریت منابع انسانی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر برای رشد و تعالی سازمان محسوب می‌گردد. بدیهی است بکارگیری منابع انسانی در سیستم زمانی از کارآمدی لازم برخوردار خواهد بود که تخصیص نیروی انسانی در مرحله نخست بر اساس تخصص و مهارت فرد صورت پذیرد. در این میان داشتن مدرک مرتبط و تجربه فرد از مهم‌ترین شرایط لازم جهت انتخاب فرد خواهد بود. همچنین ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم برای استفاده از علم و تجربه نیروهای انسانی شرط کافی برای تبدیل منابع انسانی به سرمایه انسانی محسوب می‌گردد بنابراین براساس اصول علم اقتصاد مدیریت، تخصیص بر اساس تخصص و اتخاذ تدابیر مناسب برای بهره‌مندی از توانایی‌ها و مهارت‌های افراد در سمت‌های سازمانی مرتبط با علم و تجربه آنها شرط لازم و کافی برای داشتن سرمایه انسانی در راستای رشد و تعالی سازمان بشمار می‌آید. بدیهی است عدم توجه به شرایط مذکور نه تنها باعث رشد سازمان نخواهد شد بلکه مشکلات عدیده‌ای نیز بخاطر ناکارآمدی نیروی انسانی گریبانگیر سازمان و حتی خود فرد نیز خواهد گردید.

چگونگی ایجاد و توسعه سرمایه انسانی:

از مهم‌ترین پیش‌نیازهای تحقق شرط لازم، ایجاد ارتباط منطقی بین سمت سازمانی و تخصص فرد (بر مبنای علم و تجربه) می‌باشد. نیازسنجی آموزشی صحیح و متناسب با وظایف سازمانی و در مرحله بعد اجرای آموزش ضمن خدمت به صورت کاربردی نه صرف تئوریک، می‌تواند از راه‌کارهای مؤثر و مفید در تامین شرط لازم ایجاد و توسعه سرمایه انسانی قلمداد گردد.

در رابطه با تحقق شرط کافی ایجاد و توسعه سرمایه یعنی اتخاذ تدابیر و برنامه‌ریزی برای بهره‌مندی از علم و تجربه فرد بطور مستمر در سازمان بایستی فرآیند ارزشیابی کارکنان و ایجاد زمینه‌های لازم از جمله محیط کار مناسب و انگیزش و سایر عوامل مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است در صورت کارآمدی نظام ارزشیابی صحیح کارکنان نه تنها امکان استفاده بهینه از منابع انسانی فراهم خواهد شد بلکه مشارکت کارکنان و استعدادها و توانایی‌های آنها در راستای طرح ایده‌های نو و خلاق در سطح سازمان بطور چشمگیری افزایش خواهد یافت.

ارزشیابی کارکنان

نحوه ارزشیابی کارکنان و دخالت دادن شاخص‌ها و پارامترهای مناسب جهت رتبه‌بندی افراد در سازمان در کنار اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی می‌تواند موجبات افزایش کارایی در سیستم را فراهم کند. هر چند نظام ارزشیابی در تمام سازمان‌ها وجود دارد لیکن مکانیسم اجرایی آن و عوامل شناسایی ضعف و قوت کارکنان چندان اثر بخش نمی‌باشد. بطوریکه عدم تشخیص کارکنان مفید و لایق با کارکنان ضعیف نه تنها منجر به بی‌عدالتی خواهد شد بلکه سبب کاهش انگیزه کارکنان فعال و کارآمد شده و

در نهایت ضمن کاهش شدید کارایی در سازمان، انتظار ارائه ایده‌های نو و خلاق نیز دور از ذهن خواهد بود.

به منظور ارزشیابی مستمر و دقیق کارکنان پیشنهاد می‌شود طبق فرم شماره ۱ گزارش ماهیانه هر کدام از افراد تهیه و تنظیم گردد. با این شیوه علاوه بر ارزشیابی هر کدام از پرسنل می‌توان واحدها و مدیریت‌های مختلف را نیز ارزشیابی نمود. بدیهی است اعمال سیاست‌های تشویقی و تنبیهی نیز به استناد این گزارش می‌تواند سبب افزایش اثربخشی شیوه پیشنهادی گردد.

مدت زمان انجام هر کدام از کارها و اختلاف بین زمان کار انجام شده با زمان موجود برای انجام کار می‌تواند شاخص‌های مناسبی برای نشان دادن میزان توانمندی کارکنان بوده و در نهایت ملاک صحیحی برای ارزشیابی پرسنل باشد.

فرم شماره ۱ - گزارش عملکرد ماهیانه

مشخصات کارمند شماره پرسنلی

زمان کاری	مدت زمان انجام کار	تاریخ خاتمه کار	تاریخ ارجاع	شرح کار	ردیف
ساعت موظف					
+ ساعت اضافه کاری					
+ ساعت مأموریت					
A = ساعت موظف + اضافه کاری + ساعت مأموریت					
ساعت ناهار و نماز					
ساعت مرخصی					
B = نماز + ناهار و مرخصی		جمع زمان کار انجام شده			
ساعت امکان فعالیت = A-B	اختلاف زمان انجام کار با ساعت امکان فعالیت =				

ارزشیابی مدیران

به منظور ارزشیابی مدیران براساس اصول علم اقتصاد و در راستای عمل به تفکر بنگاهداری اقتصادی، بایستی ارتباط منطقی بین درآمد مدیران با سودآوری شرکت وجود داشته باشد. همانطور که کارکنان اعم از نیروی کار ماهر، نیمه‌ماهر و غیرماهر در سمت‌های مختلف سازمانی در ازای انجام کار تعریف شده، حقوق مشخصی را دریافت می‌نمایند. مدیران در سازمان‌ها به جای حقوق، درصدی از سود سازمان را بعنوان حقوق دریافت می‌کنند چرا که ارزش افزوده مدیریت در میزان سوددهی شرکت نمایان می‌گردد. با توجه به اینکه در حال حاضر، در صورت حساب حقوق مدیران در بند فوق‌العاده شغل مدیر (حق جذب مدیر) درصدی از حقوق پایه به تناسب سطح مدیریت، محاسبه می‌گردد. لذا به منظور افزایش سوددهی شرکت و نیز عمل به تفکر بنگاهداری اقتصادی در شرایط حاضر می‌توان فوق‌العاده شغل مدیر را تابعی از سوددهی شرکت تعریف نمود. در اینصورت درصدی از سود شرکت بعنوان حقوق مدیر منظور خواهد شد و در صورت کاهش سود و حتی ضرردهی شرکت، حقوق و درآمد مدیر به شدت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بنابراین مدیران انگیزه فوق‌العاده زیادی برای افزایش سوددهی شرکت خواهند داشت. در سازمان‌ها و شرکت‌هایی که انتفاعی نیستند می‌توان بجای پارامتر سوددهی از بهره‌وری بعنوان معیارهایی جهت تعیین حقوق مدیران استفاده نمود.

در صورت ایجاد چنین تغییری در صورت حساب حقوق و درآمد مدیران، تنها افراد شایسته و لایق، سیستم مدیریت را بر عهده خواهند گرفت چرا که افراد ضعیف و ناتوان در صورت احراز پست مدیریت نه تنها از حقوق بالایی برخوردار نخواهند شد بلکه مجبور به جبران بخشی از ضررهایی که

متوجه سازمان شده نیز خواهند بود. بنابراین با تغییر فرمول محاسبه فوق‌العاده ویژه مدیران می‌توان بهره‌وری و سوددهی را تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش داد.

بنابر مطالب ارائه شده در راستای تفکر بنگاهداری اقتصادی و سرمایه انسانی، ضروری است ضمن برگزاری دوره‌های آموزشی کاربردی برای کارکنان، شرایط لازم و کافی برای تبدیل منابع انسانی به سرمایه انسانی را فراهم نمود و نظام ارزشیابی کارکنان و مدیران را بر اساس اصول علم اقتصاد مدیریت ساماندهی کرد. در غیر این صورت شرکت چه در قالب خصوصی چه در قالب دولتی، محکوم به فنا خواهد بود.

فصل ٤

رابطه اصلاح الگوی مصرف با عدالت و رفاه اجتماعی

مقدمه

«اصلاح الگوی مصرف» از توصیه‌های جدی دین مقدس اسلام است. متأسفانه بر خلاف آن همه سفارشهایی که از سوی قرآن کریم و اهل بیت: درباره مسئله میانه‌روی در مصرف و پرهیز از اسراف و ریخت و پاش شده است، جامعه ما تا رسیدن به آن نقطه ایده‌آل در مصرف که اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط باشد فاصله زیادی دارد.

اصلاح الگوی مصرف، به فرهنگ‌سازی درباره چگونگی مصرف نیازمند است. و فرهنگ‌سازی در این باره نیز نیاز به تلاش پیگیر از سوی همه مسئولان و دست‌اندرکاران کارهای فرهنگی دارد، تا در بستر گذر زمان، راه رسیدن به قله اعتدال را هموار سازند.

برای اصلاح الگوی مصرف، پیش از هر چیز باید از اسراف به دور بود. جامعه اسرافکار نه تنها هرگز برای اصلاح الگوی مصرف توفیق نخواهد یافت؛ بلکه همواره در معرض تهیدستی و فقر مادی و فرهنگی قرار دارد. از دعاهای امام سجاد(ع) این بوده است: «و مرا از زیاده‌روی و اسراف بازدار، و روزی‌ام را از تلف شدن محافظت کن، و دارایی‌ام را با برکت دادن به آن افزون فرما و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان.» با تأملی اندک درباره اسراف، در می‌یابیم که اسراف، مصرف بی‌ادبانه نعمتهای خداوند است.

آن‌که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می‌بیند، هیچ‌گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت. او پاسخ احسان را با احسان می‌دهد و با میانه‌روی و قدردانی نعمتها و پرهیز از اسراف و تبذیر، دستهای مادی و معنوی روزی‌ساز را به گرمی می‌فشارد. شخص اسرافکار، با آفریدگار

جهان سرگران است و نعمتهای او را عملاً و با اسرافکاری و ریخت و پاش به بازی می‌گیرد؛ بی‌خبر از آنکه میانه‌روی رمز

پایایی، مانایی و افزایش نعمتها و اسراف عامل کاهش و نابودی نعمتهاست. این حقیقت از احادیث زیر استفاده می‌شود: امام علی(ع) فرمودند: «میانه‌روی، افزایش ثروت است و اسراف، نابود کننده آن.» امام کاظم(ع) فرمودند: «هر که میانه‌رو و قانع باشد، نعمت در دست او باقی می‌ماند و هر کس به تبذیر و اسراف روی آورد، نعمت از او زایل می‌شود.»

نکته دیگر درباره اسراف این‌که اسراف، دهن‌کجی و بی‌حرمتی به افراد جامعه نیز است؛ چرا که هر نعمتی را که انسان هدر می‌دهد، برای فراهم آمدن آن نعمت، افزون بر عوامل طبیعی همانند: آب، خاک، خورشید و ...، عوامل انسانی نیز در خدمت او بوده‌اند.

به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری: «مواد خام اولی، قبل از انجام کار به همه تعلق داشته است، بعد از انجام کار تعلقش به دیگران سلب نمی‌شود. کار سبب می‌شود که شخص نسبت به دیگران اولی‌تی نسبت به آن شیء پیدا کند. در اثر این اولویت است که حق دارد استفاده مشروع یعنی استفاده‌ای که با هدفهای طبیعت و فطرت هماهنگ باشد ببرد؛ اما حق ندارد آن را معدوم کند و از بین ببرد یا استفاده نامشروع از آن ببرد؛ چون در عین حال، این مال به جامعه تعلق دارد. اسراف و تبذیر و هرگونه استفاده نامشروع، از

آن جهت جایز نیست که تصرف در حق غیر است بدون مجوز. انسان، خودش محصول اجتماع است. او خودش واجب الوجود بالذات نیست، فردی است قائم به اجتماع که اجتماع در نیروهای علمی و فکری و بدنی او دخیل است؛ پس آن قوا، تنها مال خودش نیست؛ بلکه اجتماع در آنها ذی‌حق است.

از اینرو حق اسراف ندارد.» آن که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می‌بیند، هیچ گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت

هدر دادن و تلف کردن مال

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، امام سجاده (ع) از خداوند می‌خواهد که در کنار بازداشتن وی از اسراف، اموالش را نیز از تلف شدن مصون دارد: «رزق مرا از تلف، مصون بدار.»

در حقیقت، اصلاح الگوی مصرف، با هدر دادن و تلف کردن مال، ناممکن است. اهل بیت: در راستای سامان دادن به مصرف پیروانشان، آنان را از هدر دادن بیهوده اموالشان بازداشته، به مراقبت از داراییهایشان توصیه کردند؛ برای مثال امام رضا (ع) می‌فرماید:

«همانا خداوند از قیل و قال، و از تباه کردن مال و از افزونی سؤال (زیاد درخواست و تقاضا کردن) بیزار است.»

در حدیثی از امام رضا (ع) می‌خوانیم: «تکه‌تکه کردن درهم و دینار (یا هر پول دیگر و دور افکندن هسته خرما از مصادیق فساد، [و نادرست] است.» نکته آخر در این باره آنکه در توصیه‌های اقتصادی اسلام، از راکد نگه داشتن اموال، نهی شده است، که این مسئله خود می‌تواند در حکم هدر دادن داراییها باشد؛ چرا که عملاً هیچ استفاده‌ای از چنین مالی نمی‌شود، و ثمره‌ای در رونق اقتصادی شخص نیز ندارد.

امام صادق (ع) فرمود: «آدمی پس از خود چیزی بر جای نمی‌گذارد که برای او سخت‌تر از مال صامت (بیکار) باشد. (راوی حدیث) می‌گوید: پرسیدم، یعنی چه می‌کند؟ فرمود: آن مال را درون دیوار و باغ و خانه می‌گذارد (و به کسی نمی‌دهد و به کاری نمی‌زند.)»

حدیث زیر از امام علی(ع) نیز در هشدار به آنان که سرمایه خویش را راکد گذاشته‌اند و بهره‌ای از آن نمی‌برند، شنیدنی است: «هر کس زمین و آب بیابد، (و نکوشد و کشت نکند) و نیازمند و فقیر شود، از رحمت خدا دور باد.»

در حقیقت، اصلاح الگوی مصرف، با هدر دادن و تلف کردن مال، ناممکن است. اهل بیت: در راستای سامان دادن به مصرف پیروانشان، آنان را از هدر دادن بیهوده اموالشان بازداشته، به مراقبت از داراییهایشان توصیه کردند

تجمل‌پرستی و روی آوردن به تشریفات، یکی از موانع جدی بر سر راه اصلاح الگوی مصرف است. تجمل‌پرستی، آتشی بر هیزم مصرف است که حاصل آن چیزی جز بازماندن از تولید و پیشرفتهای اقتصادی نیست.

قرآن کریم در راستای فرهنگ‌سازی برای درست مصرف کردن و ایمن کردن مسلمانان از فرو افتادن در دام تشریفات و تجملات، به پیروانش دستور می‌دهد که دیدگان خود را به ثروت اشراف و زراندوزان ندوزند؛ مبادا شوق به تجمل‌پرستی در جان آنها شعله زند و آنها را به سوی تشریفات، سوق دهد.

در این باره در قرآن کریم سوره طه آیه ۱۳۱ می‌خوانیم: «و زنه‌ار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیا است تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود را مدوز، و [بدان که] روزی پرودگار تو بهتر و پایدارتر است.»

در آیه ۸۸ سوره الحجر در این باره می‌خوانیم: «چشم مدوز به آنچه ما دسته‌هایی از آنان را بدان برخوردار ساخته‌ایم، و برایشان اندوه مخور، و بال خویش را برای مؤمنان فرو گستر.»

بی‌گمان، سادگی، زهد و پرهیز از زرق و برق و تجملات و جلوه‌های فریبنده دنیوی، یکی از بارزترین ویژگیهای رهبران مکاتب آسمانی به‌ویژه اسلام است. این مسئله، افزون بر آنکه یکی از عوامل محبوبیت این رهبران الهی در دل‌های مردم بوده است، همواره به عنوان یکی از عوامل سامان بخش به اقتصاد مردم نیز به شمار می‌آمده است.

اساساً مؤمن از نگاه اسلام، کم مصرف و پیر بازده است، و یکی از رازهای پیشرفتهای اقتصادی یک جامعه را نیز باید در همین ویژگی یاد شده جستجو کرد. به تعبیر استاد شهید مطهری: «میان کم برداشت کردن و کم مصرف کردن از یک طرف و زیاد بازدهی از طرف دیگر رابطه‌ای موجود است؛ بازدهیهای انسانی انسان چه در بخش عاطفه و اخلاق، و چه در قسمت تعاونیها و همکاریهای اجتماعی و چه از نظر اقتصادی و چه از نظر شرافت و حیثیت انسانی و چه از نظر عروج و صعود روحی، همه و همه رابطه معکوس دارند با برداشتها و برخورداریهای مادی. انسان این ویژگی را دارد که برداشت و برخورداری زیاد از ماده و طبیعت و تنعم و اسراف در لذات، او را از آنچه هنر و کمال انسانی نامیده می‌شود، ضعیف‌تر و بی‌بارتر می‌سازد.

۴-۱- جایگاه مصرف در علم اقتصاد

مصرف را در علم اقتصاد می‌توان در حوزه اقتصاد خرد حداقل از دو جنبه الگوی مصرف و هدف از مصرف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. براساس اصول و مبانی علم اقتصاد هدف از مصرف کسب مطلوبیت (به مفهوم رضایت خاطر ناشی از مصرف کالاها و خدمات) می‌باشد بطوریکه حداکثر کردن مطلوبیت ناشی از مصرف کالاها و خدمات با توجه

y^* : الگوی مصرف کالای y

در واقع اگر مصرف‌کننده‌ای بیش از الگوی مصرف x^* و یا y^* مصرف نماید رفتار وی از دیدگاه اقتصادی منطقی نخواهد بود. حتی در رابطه بین مطلوبیت و مصرف کالای فرضی مثل x همواره مثبت نمی‌باشد بلکه با افزایش مصرف کالای x مطلوبیت در مرحله نخست افزایش می‌یابد و بعد از $MU_x = 0$ ، مطلوبیت کل کاهش می‌یابد. در واقع زمانی که مطلوبیت نهایی کالای x منفی شود نه تنها با افزایش مصرف کالا مطلوبیت بعنوان هدف مصرف زیاد نخواهد شد بلکه کاهش نیز خواهد داشت.

بنابراین بررسی الگوی مصرف در علم اقتصاد حاکی از این نکته مهم و اساسی است که همواره رابطه مثبت و مستقیمی بین مصرف و مطلوبیت (بعنوان هدف مصرف‌کننده) وجود ندارد و بیش از حد مصرف کردن توجیه علمی ندارد.

۴-۲- جایگاه مصرف در اسلام

براساس تعالیم اسلامی و احکام و آیات فراوان در رابطه با مصرف می‌توان هدف و الگوی مصرف در اقتصاد اسلامی را در مقایسه با علم اقتصاد متعارف مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

با توجه به اینکه در نظام اقتصادی اسلام، فرهنگ اسلامی بعنوان زیربنای جامعه اسلامی قلمداد می‌گردد و نیز تأکیدات فراوان و آموزه‌های دینی بسیار مبنی بر انفاق، بخشش و دستگیری از نیازمندان و تأمین مایحتاج فقیران و مستمندان نشانگر این نکته است که تابع مطلوبیت فرد مسلمان غیرفقیر متفاوت با اقتصاد متعارف است. بطوریکه در تابع مطلوبیت مسلمان (غیر فقیر) علاوه بر مصرف کالاها و خدمات خود فرد، مصرف

فقرایی که تأمین‌کننده کالاهای آنها، فرد مسلمان (غیرفقیر) بوده است نیز وارد می‌شود.

$$U_A = f(x_1, x_2, \dots, x_n, y_1, y_2, \dots, y_n) \quad \text{فرد مسلمان} \quad y_j: \text{مصرف فقرا}$$

غیرفقیر

P' : قیمت کالاهای y

$$\bar{M} = P_1x_1 + \dots + P_nx_n + P'y_1 + \dots + P'_ny_n$$

در واقع درآمد مصرف‌کننده ثابت می‌باشد و مصرف‌کننده مسلمان بدلیل تفاوت تربیت و جهان‌بینی که دارد تحت تأثیر فرهنگ اسلامی از مصرف فقرا مطلوبیت بدست می‌آورد. و در جامعه اسلامی برخلاف جوامع غیراسلامی، فقرا بدلیل بهره‌مندی از مصرف کالاها و خدمات مطلوبیت بدست می‌آورند.

$$U^B = f(y_1, \dots, y_n) \quad \text{فقرا}$$

$$M=0 \quad \text{فقرا}$$

بنابراین در جامعه اسلامی رفاه عمومی از جمع مطلوبیت هم افراد فقیر و هم افراد غیرفقیر که به مراتب بیش از رفاه در جامعه غیراسلامی است بدست می‌آید. و بعبارت بهتر حداکثر کردن تابع هدف غایی اقتصاد که رفاه عمومی است در چارچوب نظام اقتصاد اسلامی از سطح بسیار بالایی برخوردار می‌باشد.

$$\text{رفاه عمومی} \quad \sum U^A + \sum U^B$$

بنابراین از دیدگاه اقتصاد اسلامی، رعایت الگوی مصرف و تدوین تابع مطلوبیت نه تنها منجر به جلوگیری از هدررفتن منابع و امکانات جامعه خواهد شد بلکه رفاه عمومی نیز تا حد چشمگیری افزایش خواهد یافت. اصلاح الگوی مصرف که به معنی نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است، سبب ارتقای شاخص‌های زندگی و کاهش هزینه‌ها شده و زمینه‌ای برای گسترش عدالت است.

از طرفی الزام مصرف بهینه باعث می‌شود تا علاوه بر پیشرفت علمی ناشی از ارتقای فن‌آوری در طراحی و ساخت وسایل و تجهیزات بهینه مطابق با استانداردهای جهانی، فرصت توزیع مناسب منابع و به تبع آن پیشرفت در دیگر بخش‌هایی که کمتر مورد توجه بوده است نیز فراهم گردد. از این رو ارتباط منطقی بین نام‌گذاری سال اول دهه پیشرفت و عدالت به "اصلاح الگوی مصرف" بیشتر نمایان می‌شود.

اصلاح الگوی مصرف در دو سطح "تولید کالا" و "مصرف کالا" قابل بررسی است. در سطح تولید کالا که از مرحله تبدیل مواد خام تا انتقال و توزیع به مصرف‌کننده را شامل می‌شود، نیاز است که سازندگان و تولیدکنندگان هر دو بخش دولتی و خصوصی علاوه بر رعایت ضوابط زیست محیطی، فن‌آوری تولید کالاهای خود را با استانداردهای جهانی و حتی‌الامکان مناسب با اقلیم هر منطقه مطابق کنند.

هم‌اکنون هدرروی در حوزه انرژی کشور نه صرفاً در بخش مصارف خانگی و مشاغل خدماتی و تجاری، بلکه در پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط انتقال برق، لوله‌های آب، واحدهای تولیدی و خودورها نیز در مقایسه با استانداردهای جهانی قابل قبول نیست. در کشور ما حدود یک پنجم برق تولیدی به مصرف روشنایی می‌رسد که ۶۹ درصد آن در خانه‌ها است. لذا با استفاده از لامپ‌های کم‌مصرف می‌توان تا حدود زیادی در این زمینه

صرفه‌جویی کرد. تولید انرژی و حرارت از منابع تجزیه‌شونده و نو همچون باد، خورشید و زباله‌ها در مناطقی که قابل استفاده است باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

در بخش ساخت و ساز باید اجرای آیین‌نامه‌ها و مقررات مهندسی از جمله مبحث ۱۹ مقررات ساختمان که به بهینه‌سازی ساختمان در مصرف انرژی مربوط می‌شود، نهادینه شود. همچنین تولید مواد خوراکی از جمله نان باید با ضایعات کمتری همراه باشد. باید توجه به استفاده بیشتر از مواد قابل بازیافت در تولید الزامی گردد و ده‌ها مورد مشابه دیگر که باید در هر صنف مورد توجه قرار گیرد.

در سطح "مصرف کالا" باید برای فرهنگ‌سازی نحوه مصرف بهینه خصوصاً آب، برق و گاز که تهیه آنها برای مصرف‌کننده سهل‌الوصول‌تر است آموزش از طریق مدارس، رسانه‌ها، تولیدکنندگان، وزارت نیرو و شرکت گاز بسیار موثرتر باشد. همچنین مردم ایران به علت پیوند با دین و مظاهر مقدس دینی به خوبی سنت‌های نهادینه شده را می‌پذیرند و بدان ارج می‌نهند لذا می‌توان در بخش آموزش از تعالیم و آموزه‌های دینی که بر صرفه‌جویی تأکید دارند نیز بیشتر بهره برد.

فصل ۵

**مقایسه مصرف در ایران
با جهان**

مقدمه

استفاده صحیح از نعمت‌های الهی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های پیشوایان دین بوده است. از این روست که سیره عملی اهل بیت (علیهم السلام) مشاهده می‌شود که ایشان «دوری از اسراف» و «قناعت در مصرف» از اصول مورد تاکید ایشان بوده است. این در حالی است که پیروان ایشان در کشوری اسلامی چون ایران امروزه گرفتار اسراف و تبذیر و مصرف‌گرایی شده‌اند. با نگاهی به آمار مقایسه‌ای مصرف ایران با دیگر کشورها؛ به ویژه کشورهای پیرو مکاتب مادی‌گرا و دنیاطلبی چون فرانسه، چین، ژاپن و آمریکا و...؛ ضرورت بازگشت به اصول مصرفی اسلام و پیروی از الگوهای مصرف اسلامی رخ می‌نماید. براساس گزارش مؤسسه «مارکت اوراکل»، ایران از نظر ارائه بنزین ارزان سومین کشور و از نظر میزان یارانہ پرداختی به این کالا نخستین کشور در میان کشورهای جهان است و بیش از ۳۶ درصد کل مصرف بنزین خاورمیانه در سال ۲۰۰۷ در ایران مصرف گردیده است. متوسط مصرف سوخت خودروهای بنزینی در کشورمان حدود ۱۱ لیتر در روز است، در حالی که متوسط مصرف سوخت در کشورهای دیگر نظیر آلمان و ژاپن ۲/۵، در انگلیس ۳/۵، در فرانسه ۱/۹، در کانادا ۶/۵ و در کشور آمریکا ۷/۳ لیتر در روز است. هر ۱۰ سال یک بار میزان مصرف سوخت در ایران ۲ برابر می‌شود اما این نرخ رشد در مقیاس جهانی یک تا ۲ درصد بیشتر نیست و میزان سوخت مصرفی جهان در حدود هر ۵۰ سال یک بار ۲ برابر می‌شود. یعنی ایران در مقایسه با میانگین جهانی ۴ تا ۵ برابر بیشتر سوخت مصرف می‌کند. هم‌اکنون ۹ درصد سوخت جهان در ایران و توسط تنها یک درصد جمعیت جهان مصرف می‌شود. و هر ساله بیش از ۳۸ درصد از بودجه سالانه دولت ایران به یارانہ بنزین اختصاص می‌یابد. در حالی که در صورت مصرف استاندارد، ایران

می‌تواند یکی از صادرکنندگان بنزین باشد. سرانه مصرف نان در ایران به گفته معاون وزیر بازرگانی، حدود ۱۶۰ کیلوگرم در سال است که نسبت به کشورهای اروپایی نظیر فرانسه که ۵۶ کیلوگرم و در آلمان ۷۰ کیلوگرم در سال است، بیش از ۲ تا ۳ برابر است. به اذعان رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یارانه نان طی پنج سال اخیر به طور متوسط سالانه بیش از ۳۰ درصد رشد داشته است و در سال جاری این رقم بالغ بر ۲۶ هزار میلیارد ریال است و ادامه این روند طی ۱۰ سال آینده با رشد متوسط ۱۵ درصد بدون در نظر گرفتن افزایش یارانه قیمت نان، میزان یارانه پرداختی به ۶۰۰ هزار میلیارد ریال خواهد رسید

مصرف سرانه انرژی در ایران به ازای هر نفر بیش از ۵ برابر مصرف سرانه کشوری مانند اندونزی با ۲۲۵ میلیون نفر جمعیت، ۲ برابر چین با یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر جمعیت و ۴ برابر کشور هند با یک میلیارد و ۱۲۲ میلیون نفر جمعیت است که با مقایسه شاخص شدت مصرف انرژی در ایران با بسیاری از کشورهای جهان، شاهد وضعیت ناهنجار بهره‌برداری انرژی هستیم.

در بخش ساختمان و مسکن ایران براساس آمار و ارقام منتشره، متوسط مصرف انرژی به ازای هر مترمربع در ایران ۲/۶ برابر متوسط مصرف در کشورهای صنعتی است که در بعضی از شهرهای کشورمان، این رقم به حدود ۴ برابر می‌رسد.

ایران بعد از کشورهای امریکا و روسیه در رتبه سوم مصرف جهان قرار دارد؛ میزان مصرف گاز طبیعی در ایران از ۶۸ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۱ با متوسط رشد سالانه ۱۰/۳ درصد به ۱۲۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۸ رسیده و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ میلادی میزان مصرف به ۲۷۷ میلیارد متر مکعب برسد. و با ادامه این روند در سال‌های آینده ایران به

یک مصرف‌کننده بزرگ گاز طبیعی در جهان تبدیل خواهد شد. این در حالی است که دولت در سال گذشته ۱۳۴ هزار میلیارد ریال یارانه گاز به مشترکان بخش خانگی تعلق داده است. الگوی مصرف آب آشامیدنی براساس اعلام بانک جهانی برای یک نفر در سال، یک مترمکعب و برای بهداشت در زندگی به ازای هر نفر، ۱۰۰ مترمکعب در سال است. بر این اساس، در کشور ما ۷۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی آب مصرف می‌شود! سرانه مصرف آب ایرانی‌ها پنج برابر سرانه مصرف جهان است.

از نظر مصرف برق هم، ایران نوزدهمین کشور پرمصرف برق در دنیاست، و دولت سالیانه یارانه ۴ هزار میلیارد تومانی برای برق در نظر می‌گیرد.

و جالب‌تر اینجاست که سالیانه نزدیک به ۲/۱۲ هزار میلیارد تومان یارانه واقعی و ۷۸ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان پرداخت می‌کنیم. که در مجموع مبلغ کل یارانه آشکار و پنهان دولت چیزی در حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان است.

انرژی یکی از مهم‌ترین عوامل ضروری برای توسعه کشور است. در ایران منبع اصلی تامین انرژی، انرژی‌های فسیلی هستند که مصرف آنها به کاهش ذخایر و در نهایت اتمام آنها منجر می‌شود. مصرف انرژی به خصوص سوخت‌های فسیلی مهم‌ترین عامل آلودگی هوا و تغییرات آب و هوایی نیز هست. به همین دلیل استفاده بهینه از انرژی در فرایند توسعه اقتصادی همواره به عنوان یک هدف مهم در توسعه پایدار مدنظر بوده است. براساس آمار مرکز تحلیل اطلاعات دی‌اکسید کربن ایالات متحده آمریکا، هم‌اکنون ایران یازدهمین کشور آلاینده دنیا از جنبه تولید گاز CO₂ به شمار می‌رود.

وضعیت کشورهای مختلف جهان از نظر چگونگی مصرف انرژی و میزان اثربخشی آن بر توسعه اقتصادی، نسبت به ایران بسیار مطلوب‌تر است. مثلاً از لحاظ شاخص «مصرف سرانه»، عموماً مصرف سرانه انرژی در جوامع توسعه یافته به دلیل درآمد سرانه بالا و امکان بهره‌برداری از کالاها و خدمات متنوع، بیشتر است. در عین حال در این کشورها افزایش بهره‌وری منجر به تعدیل مصرف انرژی شده است.

آمارها نشان می‌دهد در ایران و کشورهایی که ذخایر انرژی بالایی دارند، مصرف انرژی نه تنها در مقایسه با کشورهای پیشرفته، بلکه در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه نیز به وضوح بیشتر است. علت این وضعیت، بهره‌وری پایین در بهره‌برداری، مصرف بالای انرژی و استفاده از کالاها و خدمات انرژی بر است که ریشه همه آنها، ارزان بودن انرژی در این کشورهاست.

مصرف سرانه انرژی در کشورهای در حال توسعه همچون ترکیه، هند، چین، هنگ‌کنگ، پاکستان، متوسط کشورهای آفریقایی و متوسط آسیا از ایران پایین‌تر است. مثلاً در حالی که پاکستان با ۱۵۹ میلیون نفر بیش از ۲ برابر ایران جمعیت دارد، مصرف انرژی این کشور ۶۲ میلیون تن معادل نفت خام در سال است. اما ایران با جمعیت ۷۰ میلیون نفری سالانه ۱۲۷ میلیون تن معادل نفت خام، انرژی مصرف می‌کند.

مصرف سرانه انرژی در ایران از متوسط مصرف سرانه در جهان حدود ۶۰ درصد بیشتر است. هر ایرانی به‌طور متوسط در طول سال ۱/۸ تن معادل نفت خام، انرژی مصرف می‌کند اما متوسط جهانی آن ۱/۱ تن معادل نفت خام است. از سوی دیگر طی سال‌های اخیر مصرف سرانه انرژی در کشورمان هر سال نسبت به سال قبل بیشتر شده است.

رشد ۳۶ درصدی مصرف انرژی در ۱۰ سال

براساس آمار اعلامی وزارت نیرو، مصرف نهایی انرژی کشور از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶ بیش از ۶۳ درصد افزایش یافته است. مصرف نهایی انرژی کشورمان در سال ۱۳۷۶ بالغ بر ۵۹۷ میلیون بشکه معادل نفت خام بود که در سال ۱۳۸۶ این رقم به ۹۷۵ میلیون بشکه افزایش پیدا کرده است.

وابستگی به انرژی‌های تجدیدناپذیر

شدت بالای مصرف انرژی در ایران در حالی است که ۹۸ درصد انرژی مصرفی کشورمان از سوخت‌های تجدیدناپذیر نفت و گاز طبیعی حاصل می‌شود و انرژی‌های تجدیدپذیر همچون انرژی هسته‌ای، سوخت سبز، انرژی بادی و انرژی خورشیدی تقریباً سهمی از سبد انرژی کشورمان ندارند. این در حالی است که در جهان به‌طور متوسط ۲۵ درصد انرژی مصرفی از انرژی‌های تجدیدپذیر (یعنی انرژی‌هایی به غیر از نفت و گاز و زغال سنگ) حاصل می‌شود.

مصرف برق

میزان متوسط مصرف جهانی برق در دنیا، برای مشترکان خارجی در بخش خانگی ۹۰۰ کیلو وات در ساعت است؛ در حالی که این آمار در ایران ۲۹۰۰ کیلو ساعت است.

ایران نوزدهمین کشور پرمصرف دنیا است و سه برابر میانگین جهانی، برق مصرف می‌کند و دولت، سالانه چهار هزار میلیارد تومان یارانه به این بخش می‌پردازد.

در سال ۱۳۸۶، ۲۰۴ میلیارد کیلو وات ساعت برق تولید شده است و ۱۵۶ میلیارد کیلووات ساعت برق به فروش رسیده و حدود ۴۸ میلیارد کیلووات ساعت هدر رفته است. ۲۳/۵۳ درصد تلفات، حاصل شبکه غیراستاندارد

توزیع برق کشور است؛ در حالی که میانگین تلفات شبکه توزیع برق در جهان ۱۰ درصد است. البته این تلفات در مناطق و استان‌های کشور متفاوت است و مثلاً در اصفهان ۸/۵ درصد، در سیستان و بلوچستان ۱۰ درصد، در خوزستان ۲۷ درصد و در اهواز ۴۲ درصد است، که نشان می‌دهد با سامان‌دهی شبکه توزیع برق و اصلاح مصرف می‌توان گام‌های موثری در این زمینه برداشت.

چین با داشتن دویست برابر جمعیت ایران، تنها ده برابر ایران انرژی الکتریکی مصرف می‌کند؛ در حالی که عمده مصرف چین در بخش صنعتی است و مصرف ایران در بخش خانگی و خدماتی است.

مصرف آب

مصرف آب در ایران ۲ برابر مصرف جهانی است و به بیانی بهتر، ۷۰ درصد بیشتر از الگوی جهانی مصرف آب است. میزان متوسط مصرف آب در شبانه‌روز در ایران، ۳۰۰ لیتر و در جهان ۱۵۰ لیتر است. کارشناسان می‌گویند ۹۲ درصد آب مصرفی کشور در بخش کشاورزی، به دلیل استفاده از روش منسوخ غرق آبی، به جای سیستم‌های کارآمد آبیاری تحت فشار و قطره‌ای، هدر می‌رود. شاخص بهره‌وری آب در بخش کشاورزی، در میانگین جهانی ۲ کیلوگرم و در کشورمان فقط ۹۰۰ گرم است.

مصرف گاز

میزان مصرف گاز در ایران معادل کشوری ۲۵۰ میلیون نفری یعنی ۴ برابر استاندارد جهانی است. روزانه ۴۳ میلیون مترمکعب گاز همراه نفت در کشور، به جای جمع‌آوری، سوزانده می‌شود که این رقم بیشتر از کل مصرف روزانه کشور ترکیه با ۳۴ میلیون مترمکعب است.

ایران بعد از آمریکا و روسیه، سومین کشور مصرف‌کننده گاز است. میزان مصرف گاز طبیعی، از ۶۸ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۱ با متوسط رشد سالانه ۳/۱ درصد، به ۱۲۳ میلیارد مترمکعب در سال ۲۰۰۸ رسیده است که پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۲ میلادی، به ۲۷۷ میلیارد مترمکعب برسد. سرانه مصرف طی دهه اخیر از رشد بالای ۶ درصد برخوردار بوده است.

نان و خوراکی‌ها

ایران بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نان در جهان است و سالانه به میزان ۳ میلیون تن گندم، به علت ضایعات نان تلف می‌شود. ایران در سال ۲۰۰۵، با مصرف ۳/۱۵ میلیون تن برنج چهاردهمین مصرف‌کننده برنج جهان بوده است. مصرف سرانه روغن ایران ۴/۵ کیلو بالاتر از میانگین جهانی است. میزان مصرف روغن در ایران به ازای هر نفر ۱۷ کیلوگرم است؛ در حالی که سرانه مصرف جهانی ۱۲/۵ کیلوگرم است. ایران در سال ۲۰۰۵، دهمین کشور واردکننده روغن جهان بوده است؛ در حالی که سهم تولید روغن در کشور از ۹۵ درصد به ۸۰ درصد کاهش پیدا کرده است.

سرانه مصرف نوشابه در ایران، چهار برابر میانگین جهانی است. هر ایرانی ۴۲ لیتر نوشابه مصرف می‌کند که این آمار در جهان ۱۰ لیتر است. در ۲۰ سال اخیر، مصرف نوشابه ۱۵ درصد رشد داشته است؛ یعنی سالانه ۲/۹۰۰ میلیارد لیتر مایعی مصرف می‌شود که انواع مضرات را در پی دارد. این در حالی است که مصرف شیر و لبنیات، فقط یک دهم درصد رشد داشته است و سرانه مصرف لبنیات در ایران، یک سوم میزان جهانی است.

دخانیات

۱۵ درصد ایرانی ها، یعنی ۱۰ میلیون نفر، سالانه ۵۰ تا ۶۰ میلیارد نخ سیگار می‌کشند. به علت قاچاق و واردات غیرقانونی ۴۲ میلیارد نخ سیگار، سالانه ۴۲۰ میلیون دلار از کشور خارج می‌شود.

میزان مصرف سالانه سیگار ایران بالغ بر ۶۰۰ میلیارد تومان می‌شود، که بخش اعظم آن صرف واردات سیگارهای خارجی می‌شود.

همانطور که مشاهده می‌کنیم مقایسه میزان مصرف در بخش‌های مختلف با سایر کشورها، نشان‌دهنده وضعیت بسیار نامطلوب مصرف در همه زمینه‌ها است که در مجموع مبلغ کل یارانه آشکار و پنهان دولت چیزی در حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان است.

برای اصلاح الگوی مصرف، پیش از هر چیز باید از اسراف به دور بود. جامعه اسرافکار نه تنها هرگز برای اصلاح الگوی مصرف توفیق نخواهد یافت؛ بلکه همواره در معرض تهیدستی و فقر مادی و فرهنگی قرار دارد. از دعاهای امام سجاده (ع) این بوده است: «و مرا از زیاده‌روی و اسراف باز دار، و روزی‌ام را از تلف شدن محافظت کن، و دارایی‌ام را با برکت دادن به آن افزون فرما و راه مصرف آن را در کارهای خیر به من بنمایان.»

با تأملی اندک درباره اسراف، در می‌یابیم که اسراف، مصرف بی‌ادبانه نعمتهای خداوند است.

آن‌که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می‌بیند، هیچ‌گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت. او پاسخ احسان را با احسان می‌دهد و با میانه‌روی و قدردانی نعمتها و پرهیز از اسراف و تبذیر، دستهای مادی و معنوی روزی‌ساز را به گرمی می‌فشارد. شخص اسرافکار، با آفریدگار

جهان سرگران است و نعمتهای او را عملاً و با اسرافکاری و ریخت و پاش به بازی می‌گیرد؛ بی‌خبر از آنکه میانه‌روی رمز پایایی، مانایی و افزایش نعمتها و اسراف عامل کاهش و نابودی نعمتهاست. این حقیقت از احادیث زیر استفاده می‌شود.

آن‌که در فراهم آوردن هر نعمت، دستهای پنهان و آشکار دهها وسیله مادی و معنوی را می‌بیند، هیچ‌گاه نعمتی را بیهوده هدر نخواهد داد و هرگز پیرامون اسراف نخواهد گشت

رسول خدا(ص) در حدیثی با اشاره به این نکته می‌فرماید: «شکل و هیئت لباس پوشیدنها [و مدهای مصرفی] به یکدیگر همانند نمی‌شود؛ جز آنکه خُلق و خواها به هم نزدیک شود؛ و هر کس خود را شبیه گروهی سازد، از آنان به شمار می‌رود».

خدای متعال به پیغمبرش می‌فرماید: «دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده دستی مکن تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.» در انفاق برای خدا هم اینجوری عمل کن. افراط و تفریط نکنید. این را ما باید به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم.

در حدیثی زیبا از رسول خاتم(ص) در این باره می‌خوانیم: «هر کس هر چه [دلش] خواست بخورد، هر چه دوست داشت بپوشد و هر چه از مرکبها [نظرش را گرفت] سوار شود، خداوند [با نظر لطف آمیز] به او ننگد، تا او را مرگ فرا رسد یا آن کارها را وانهد.»

همچنین بعضی وقتها شخص به دلیل مقام و موقعیت اجتماعی خود یا انتساب به فردی صاحب مقام، تلاش می‌کند خود را نیازمند مصرف کالاهای گران‌قیمت و تجملاتی بداند، و با مسأله شأن، آن را توجیه کند؛ بی‌آنکه در واقع، نیازی بدان داشته باشد. رعایت چنین شأنی هیچ مدرک و دلیلی ندارد؛ چرا که آیات و روایات متعدد و سیره رسول خدا(ص) و معصومان: شأنهای

اعتباری را که برخی افراد یا گروهها، خاستگاه امتیازاتی ویژه برای خود تلقی کرده‌اند، پوچ و بی‌اساس معرفی کرده‌اند. بنابراین، موقعیت اجتماعی، در صورتی که نیازی واقعی به استفاده از برخی امکانات را ایجاد نکند، نه تنها توجیه‌گر تجمل‌گرایی نیست، که مسئولیت مضاعفی در لزوم زهد و ساده‌زیستی را نیز ایجاد می‌کند.

امید است با استراتژی و راهبردی که مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خویش تبیین فرمودند، یک عزم جدی در دولت و مجلس برای تهیه یک نقشه راه در جهت اجرای اصلاح‌الگوی مصرف تهیه شود.

فصل ۶

**راهکارهای اصلاح الگوی
مصرف گاز طبیعی**

با اجرای سیاست جایگزینی گاز طبیعی با سایر فرآورده‌های نفتی بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و سرعت بخشیدن به آن پس از جنگ تحمیلی با توسعه گازرسانی امکان بهره‌مندی مردم از این نعمت خدادادی فراهم گردید. بطوریکه در حال حاضر حدود ۱۵ میلیون خانوار از گاز طبیعی در بخش خانگی استفاده می‌نمایند.

۶-۱- اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی

افزایش چشمگیر سهم گاز در سبد انرژی طی سال‌های اخیر به حدود ۷۳ درصد و روند صعودی آن در بخش‌های مختلف مصرف از جمله بخش صنعتی، تجاری، خانگی و نیروگاهی از یکسو و پایان‌پذیر بودن نخایر گازی از سوی دیگر، ضرورت مصرف بهینه گاز را در تمام بخش‌های مصرف‌کننده بیش از پیش محسوس می‌نماید. بطوریکه رشد متوسط سالیانه مصرف گاز طبیعی طی دهه اخیر بیش از ۱۰ درصد بوده است.

براساس آمار موجود، مصرف گاز طبیعی در سال ۱۳۸۷ به تفکیک مصرف‌کنندگان طی ماه‌های مختلف سال مشخص شده است. بطوریکه بخش نیروگاهی با سهم بالغ بر ۳۴ درصد بزرگترین مصرف‌کننده می‌باشد و بخش‌های خانگی صنعتی و تجاری به ترتیب با ۳۱ و ۲۸ و ۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۶ بخش خانگی با ۳۶ درصد مصرف گاز طبیعی بزرگترین بخش بوده است. و در ماه‌های سرد سال مصرف گاز طبیعی در بخش خانگی حتی به بیش از ۷۵ درصد نیز می‌رسد.

بنابراین تلاش برای رعایت الگوی مصرف گاز در بخش خانگی از اولویت بالاتری برخوردار می‌باشد. با عنایت به اینکه عمده مصرف در این بخش صرف ایجاد گرمایش در ماه‌های سرد سال می‌گردد، لذا ارائه راهکارهای

عملی و متناسب با شرایط فعلی جهت بهینه نمودن مصرف گاز در بخش خانگی می‌تواند گام موثری در جلوگیری از هدر رفتن این نعمت خدادادی و ثروت عمومی باشد. علاوه بر ایجاد گرمایش، از گاز طبیعی به منظور تأمین آبگرم و پخت و پز در بخش خانگی استفاده می‌گردد. لذا استفاده بهینه از گاز در ماه‌های غیر سرد سال نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

۶-۲- ریشه‌های اصلی عدم رعایت الگوی مصرف گاز طبیعی

بررسی رفتارهای مصرفی خانوارها حاکی از اینست که عوامل مهم و اثرگذار بر مصرف غیربهینه را می‌توان در سه گروه فنی اقتصادی و فرهنگی طبقه‌بندی نمود. بنابراین راهکارهای اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی در بخش خانگی را با توجه به بالا بودن متوسط مصرف گاز در این بخش نسبت به استانداردهای موجود، با توجه به این ریشه‌ها مشخص می‌گردد. ۱. فنی، ۲. اقتصادی، ۳. فرهنگی

۱. از دیدگاه فنی: یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر اتلاف انرژی از جمله گاز در بخش خانگی بدلیل غیراستاندارد بودن وسایل گازسوز است. در حال حاضر، هیچکدام از وسایل گازسوز از جمله بخاری، آبگرمکن و ... دارای برچسب انرژی در سطح A و B نیستند. بطوریکه تنها ۲/۷ درصد از بخاری‌ها دارای برچسب انرژی رده C و ۱۸ درصد در سطح D و مابقی آنها در سطح E (۲۸ درصد) و F (۲۷ درصد) و G (۱۴/۵ درصد) قرار دارند.

و به همین ترتیب تنها ۱۴ درصد آبگرمکن‌های موجود در کشور برچسب انرژی C و مابقی آنها در رده‌های پایین‌تر قرار دارند. با عنایت به اینکه یکی از عوامل موثر بر مصرف بی‌رویه گاز طبیعی پایین بودن راندمان وسایل گازسوز است لذا تولید وسایل گازسوز

با برچسب انرژی A و B باید مورد تشویق و حمایت قرار گرفته و از تولید وسایل گازسوز با راندمان پایین جلوگیری بعمل آید. در این میان، اعطای تسهیلات بانکی، معافیت های مالیاتی و ... در راستای تشویق تولید کنندگان وسایل گازسوز با راندمان بالای انرژی از یکسو و وضع مالیاتهای سنگین، عدم حمایت های مالی و عدم صدور مجوز برای تولید کنندگان وسایل گازسوز با برچسب انرژی پایین می تواند در راستای اصلاح الگوی مصرف بهینه گاز مفید و موثر واقع گردد. حتی وضع تعرفه های بالای گمرکی بر واردات وسایل گازسوز با راندمان پایین و نیز واردات وسایل گازسوز با راندمان بالای انرژی از سیاست های کارآمد در جهت جلوگیری از مصرف بی رویه گاز محسوب می گردد.

عدم رعایت استانداردهای مربوط به ساختمان از دیگر عوامل اتلاف انرژی در بخش خانگی به ویژه در ماه های سرد سال می باشد. هرچند تلاش هایی در جهت رعایت اصول مربوط به جلوگیری از مصرف بی رویه گاز در مبحث ۱۹ ساختمان صورت پذیرفته است، لیکن وجود حدود ۲۵ درصد پرت انرژی بدلیل نوع ساختمانهای موجود و عدم رعایت استانداردهای مرتبط، تلاش بر ساخت واحدهای مسکونی بدون اتلاف انرژی از ضرورت های اجتناب ناپذیر در راستای اصلاح الگوی مصرف گاز محسوب می گردد.

۲. دیدگاه اقتصادی: یارانه ای بودن قیمت گاز طبیعی و پایین بودن سهم هزینه گاز در سبد مصرفی خانوارها از مهم ترین دلایل اقتصادی هدر رفتن گاز در بخش خانگی و حتی سایر بخش های مصرف کننده است. هرچند واقعی نمودن قیمت گاز بعنوان راهکار اقتصادی جهت رعایت الگوی مصرف تعریف شده گاز مطرح می گردد لیکن اعمال

قیمت واقعی در شرایط فعلی اقتصاد ملی می‌تواند منجر به شوک تورمی گردد. لذا اخذ قیمت‌های بالا از مشترکین پرمصرف بگونه‌ای که با مصرف بیشتر، مشترکین خارج از الگوی مصرف از یارانه کمتری برخوردار باشند می‌تواند در شرایط فعلی انگیزه لازم را به منظور اصلاح الگوی مصرف فراهم نماید. در این میان اجرای طرح پلکانی قیمت‌گذاری گاز در بخش خانگی که از سال ۱۳۸۵ تاکنون در حال اجراست تاحدی در جلوگیری از مصرف بی‌رویه موثر بوده است. بطوریکه اعمال قیمت‌های گاز متناسب با مصرف مشترکین بگونه‌ای که در صورت عدم رعایت الگوی مصرف، مشترکی که دارای مصارف بالاتر از الگوست مجبور به پرداخت هزینه بیشتر خواهد بود. از راهکارهای مهم با رویکرد عادلانه در اعمال سیاست قیمتی است. هرچه شدت و میزان قیمت نسبت به مشترکین پرمصرف و خارج از الگو بیشتر باشد، ضمانت اجرایی اعمال این روش قیمت‌گذاری (پلکانی) در راستای جلوگیری از مصرف بی‌رویه گاز اثربخش‌تر خواهد بود.

۳. دیدگاه فرهنگی: بررسی رفتار مصرفی خانوارها طی سال‌های اخیر حاکی از این نکته مهم و اساسی است که متوسط مصرف هر خانوار ایرانی در مقایسه با کشورهای مصرف‌کننده گاز که حتی دارای سرمای شدیدتری نیز هستند در سطح بالاتری قرار دارد و حتی سرانه مصرف هر خانوار در استان‌های معتدل از استان‌های سردسیر بالاتر است و نیز متوسط سرانه مصرف خانوار طی دهه اخیر، بطور میانگین بیش از ۶ درصد نیز افزایش داشته است. همه موارد مذکور حاکی از فرهنگ غلط مصرف گاز طبیعی است.

بدیهی است حتی در صورت رفع موانع فنی و اعمال سیاست‌های قیمتی مناسب، بدون اصلاح فرهنگ مصرف امکان جلوگیری از مصارف غیرضروری و بی‌رویه میسر نخواهد بود.

در این میان فرهنگ‌سازی و افزایش سطح آگاهی عموم مردم بویژه مشترکین پرمصرف نسبت به ارزش واقعی گاز و امکان کسب ارزش افزوده بالا از گاز طبیعی در بخش‌های صنعتی از جمله پتروشیمی و معرفی تلاش‌های فراوان و صرف هزینه‌های بسیار در فرآیند استخراج، تولید، پالایش، انتقال و توزیع گاز طبیعی در قالب برنامه‌های مختلف از طریق رسانه‌های گروهی از جمله اقدامات مهم در جهت اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی بشمار می‌آید.

بنابراین برنامه‌ریزی جامع و هدفمند همگام با عزم ملی و ایجاد تعادل و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف اجرایی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر در اصلاح الگوی مصرف گاز طبیعی محسوب می‌گردد. لذا تشکیل شورای عالی انرژی به منظور هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی زیربط از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. چرا که رفع موانع فنی و فرهنگی بطور مستقیم در حیطه مدیریت شرکت ملی گاز ایران نیست و نهادها و سازمان‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی از جمله رسانه ملی، وزارت صنایع، وزارت بازرگانی، وزارت مسکن و شهرسازی و ... متولی آن هستند.

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- تفسیرالمیزان
- ۳- بحارالانوار
- ۴- نجفی - محمد باقر، دادگر - ید...، مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی، انتشارات دانشگاه رازی ۱۳۸۰
- ۵- درخشان - مسعود- مهرآرا- محسن، نگاهی به مسائل اقتصاد ایران و راهکارهای آن، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی - ۱۳۸۳
- ۶- دادگر- ید...، مالیه عمومی و اقتصاد دولت، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس - ۱۳۸۴
- ۷- قدیمی دیزج - خلیل مدیریت عمومی، انتشارات دانشکده آماذ نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۷۹
- ۸- عبادی - جعفر، اقتصاد خرد- انتشارات سمت - ۱۳۷۰
- ۹- حیدری نراقی - علی محمد، اسراف از دیدگاه دین و دانش، انتشارات مهدی نراقی، ۱۳۸۸
- ۱۰- قدیمی دیزج - جاوید، نرم افزار ویژه حرکت به سمت اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۸
- ۱۱- نصراللهی نیا - ابوزر، سلیمی - سجاد، نگاهی به الگوی مصرف، انتشارات منشور وحی، ۱۳۸۸
- ۱۲- سایت ویژه "اصلاح الگوی مصرف"
- ۱۳- مجموعه مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف، دانشگاه آزاد اسلامی، اسفند ماه ۱۳۸۸
- ۱۴- سایت‌ها و خبرگزاری‌ها و ...